

توان

دوره جدید • سال اول • شماره اول • پاییز ۱۳۷۹ • ۲۰۰ تومان



پیام دبیر کل سازمان ملل، آقای کوفی عنان

به مناسبت روز بین المللی افراد معلول

تهران ۱۳ آذر (مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد)-- گرامیداشت روز بین المللی افراد معلول این فرصت را ایجاد می کند تا کمک های ارزنده قابل توجهی که توسط این افراد به جامعه ارائه می گردد را درک نماییم. هم چنین ما را تشویق می نماید تا به راه هایی که از طریق آنها می توان افراد معلول را قادر ساخت تا بتوانند کمک های خود را کاملتر نمایند، پی ببریم. در جامعه ما که بر اساس دانش پایه ریزی شده، هیچ موضوعی در مقایسه با موضوع امسال روز بین المللی افراد معلول که عبارتست از "کارساز کردن فن آوری های اطلاعاتی برای همگان" مهمتر نیست.

در طی اولین سال قرن جدید، نقش فن آوری های اطلاعات در سرعت بخشیدن به رشد، ارتقاء توسعه پایدار و محو فقر در راس دستور کار سازمان ملل قرار داده شده است. این موضوعی مهم برای شورای اقتصادی اجتماعی در طی سال ۲۰۰۰ بود. در اجلاس هزاره، رهبران جهان خواستار تضمین ارائه منافع فن آوری های نوین به ویژه فن آوری های اطلاعاتی و ارتباطی برای همگان شدند.

قبل از این در سال ۱۹۴۸، در اعلامیه جهانی حقوق بشر قید گردیده که هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی در جوامع حضور داشته باشد و از پیشرفت علم و دانش متمتع گردد. اهمیت ارتباط حقوق بشر و توسعه بطور گسترده ای درک گردیده است. بر این اساس و بر طبق اقتصاد ما که مبتنی بر دانش است، دسترسی به اطلاعات حقی مسلم ایجاد می کند. معهذا عدم دسترسی به فن آوری اطلاعات هنوز طیف وسیعی از مردم را از مشارکت موثر در زندگی اجتماعی و توسعه محروم ساخته است.

تا وقتی که فن آوری اطلاعات حقیقتاً برای همگان قابل دسترس نباشد، نیروی بالقوه اطلاعات نمی تواند عملاً تمامی کشورها و مردم را توانمند سازد. ما باید موانع فنی، روانشناختی، فیزیکی یا مالی بر سر راه فن آوری و کاربران آن را از سر راه بر داریم.

در این اولین سال هزاره جدید، شاهد نمونه های امیدوار کننده از تلاش های ملی و منطقه ای هستیم که جامعه بین المللی می تواند از آنها بیاموزد، آسه آن (ASEAN) و دولت تایلند همایشی درباره دسترسی به اینترنت و معلولان برگزار نمودند. دولت مکزیک و جامعه سازمان های غیر دولتی آن کشور نیز مجمع ملی مشورتی را برای در نظر گرفتن امکانات برای دسترسی به فن آوری اطلاعات و مشارکت معلولان در عمران جوامع خود سازماندهی کردند.

ابتکارات فوق الذکر شاهدهی برای رشد درک این چالش مهم در عصر ما و اندوخته ای از خلاقیت ها برای یافتن راه حل هایی برای معضلات آن است. امروز در این اولین روز بین المللی افراد معلول در هزاره جدید، اجازه دهید تا از آموخته های این ابتکارات پند بگیریم. تا برای یافتن راه هایی که بتوان با استفاده از آنها فن آوری اطلاعات را برای همگان مفید کرد، کاوش نماییم.

توان یاب

دوره جدید • سال اول • شماره اول • ۳۶ صفحه • پاییز ۷۹ • بها ۲۰۰ تومان

۲	اول دفتر
۳	همه ما توان یابیم؟!
۴	قواعد استاندارد جهت تساوی فرصتها
۶	معلول یا توان یاب؟
۷	توان یابان و پیشرفتهای آنان
۱۰	استراتژی توان یابان در کشورهای مشترک المنافع
۱۱	نقش مددکار اجتماعی در توان بخشی
۱۴	استفن ویلیام هاو کینگ
۱۵	سیر ایجاد انگیزه کار در توان یابان
۲۱	روانشناسی کار
۲۲	گودویل
۲۳	معنا درمانی
۲۴	سازگاری اجتماعی
۲۵	اخبار
۲۹	اشعار توان یابان
۳۰	چقدر از عمرتان را هدر می دهید؟
۳۲	مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد در یک نگاه
۳۴	منشور رعد
۳۶	گزیده لاتین

توان یاب

صاحب امتیاز: مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد

سر دبیر: علیرضا اشراقی

کنترل کیفی: قاسم صالح خو، عبدالله توسلی، مدیر اجرایی: احمد توسلی، کنترل فنی: علی ممتحنی، صفحه آرایی: مریم قورچیان

عکس روی جلد: حجت اله سپهوند، چاپ و صحافی: طلوع آزادی

صندوق پستی ۱۴۴/۱۴۶۶۵، تلفن ۸۰۸۲۲۶۶، نمابر ۸۰۷۶۳۲۶، پست الکترونیکی Info@raad-ngo.org

توان یاب نشریه اختصاصی مجتمع رعد است که به آسیبهای اجتماعی و مسایل ویژه توان یابان می پردازد

ن و القلم و ما یسکرون ...

با پیشرفت اطلاع رسانی و توسعه رسانه ها جهان تبدیل به یک دهکده شده است.

دهکده ای جهانی!

حال اهالی این دهکده بیش از پیش نیاز به نزدیک شدن به یکدیگر دارند و این نزدیکی جز با استفاده "بهینه" از رسانه های ارتباط جمعی بدست نمی آید. "توان یاب" نیز با انتخاب اهدافی هر چند بلند پروازانه سعی دارد سهمی در این بهینه سازی داشته باشد.

متأسفانه تاکنون جامعه بشری دیدی ترحم آمیز نسبت به توان یابان نداشته است. اما "توان یاب" معتقد است که توان یابان تفاوتی با افراد عادی ندارند و با کمی کمک در فراگیری مهارت، و کسب اعتماد به نفس می توانند ضعف فیزیکی خود را جبران کنند.

آرزوی "توان یاب" حذف دید ترحم آمیز نسبت به توان یابان است!

ایران و ایرانی ثابت کرده است که می تواند در سخت ترین شرایط و حداقل امکانات بیشترین بهره را ببرد و نام خود را جاودان سازد.

"توان یاب" اعتقاد دارد که افراد عادی و توان یابان بدون تفاوت با یکدیگر می توانند در سربلندی ایران مشارکت داشته باشند. از این رو مخاطبان "توان یاب" نه فقط توان یابان، که همه کسانی هستند که می خواهند نام ایران را سربلند ببینند.

توان یاب آمده تا به این اهداف جامه عمل بپوشاند

و در این راه چشم به یاری شما دوستان دارد.

مره ضعف دید خود هستید، بنابراین شما برای بهتر دیدن نیازمند توانی برای این کار هستید که عینک این توان برای این کار هستید که عینک این توان را به شما می‌دهد که بهتر ببینید.

پس شما نیز توان یابی هستید که از وسایل کمکی برای بهتر دیدن استفاده می‌کنید تا مشکل شما حاصل شود اما هیچ کس شما را به چشم یک توان یاب (معلول) نمی‌بیند.

مثال دو:

حتماً همه دوست دارند که از خط خوش برخوردار باشند ولی همیشه اینگونه نیست و ممکن است بعضی‌ها دارای خط بدی باشند که آنان میتوانند با استفاده از وسایل، همچنین آموزش مداوم به این هدف (خط خوش) برسند. پس این افراد نیز توان یابند ولی کسی آنان را به این نام نمی‌خواند بلکه با نام هنرجو شناسایی می‌شوند.

مثال سوم را طور انتخاب کرده‌ام که ملموس تر باشد:

مثال سه:

فکر کنید شما برای سلامتی و بالا بردن توان جسمانی خود در یک باشگاه ورزشی ثبت نام کرده‌اید و زیر نظر مربی تمرینات خود را ادامه می‌دهید. مربی در تمرینات و جلسات اولیه به ارزیابی کلیه قسمتهای بدن شما به ویژه عضلاتی که آن ورزش تأثیر مستقیم بر آن دارد می‌پردازد. احياناً مربی متوجه ضعفی در یک قسمت بدن شما میشود و بر آن می‌شود تا آن قسمت نیز مانند سایر قسمتهاورزیده شده و شما موفق شوید. حال میتوان گفت که شما نیز در عین حالی که ورزشکار هستید یک توان یاب نیز هستید و میتوان این سوال را مطرح نمود که چرا مربی شما را از ادامه تمرینات منصرف نکرد؟

پاسخهای بسیاری برای این سوالات هست ولی من در این جا دو حالت اصلی برخورد را در نظر میگیرم اول آنکه مربی میتوانسته با دید منفی نسبت به شما نگاه کرده و به شما بگوید شما مثلاً به درد این ورزش نمی‌خورید چون فلان اندام شما ضعیف است.

دوم آنکه مربی با دید مثبت نسبت به رفع معضل شما کمک می‌کند.

البته مثالها بسیار زیاد هستند که از ذکر آنها خودداری می‌شود.

نتیجه گیری:

با توجه به مثالهایی که ذکر شد آیا میتوان بین کسانی که دارای شرایط خاص بدنی به لحاظ فیزیکی هستند و افراد مثالهای یاد شده مرزی قائل شد؟ چه تفاوتی میان توان یابان یاد شده و اینگونه افراد وجود دارد؟ آیا جز این نیست که هر دو به دنبال بدست آوردن توان از دست رفته شان هستند؟

پاسخ این سئوالات با کمی تأمل و تفکر در مورد توانایی هر کس مشخص میشود. یعنی عدم توجه افراد توان یاب به بقیه توان جسمی و ذهنی خود و همچنین عدم سعی آنان در جهت قوی نمودن جنبه‌های دیگر جسمی خود است. یعنی اکثر آنان پس از شناسایی عدم توانایی خویش و برخورد با تفکر غالب جامعه و سپس زده‌اند و دیگر به فکر بقیه اعضا و تقویت آنها در جهت پر کردن جای خالی اعضای ضعیف خود نیستند.

موضوع دیگر اینکه افراد جامعه سعی در شناخت مناسب این گونه توان یابان نشان نداده‌اند. شناخت نیازها، استعدادها و کارایی این گونه افراد و نیز برخورد مناسب با آنان بطوریکه علاوه بر کمک رسانی شایسته و بایسته شخصیت آنان نیز محترم شمرده شود میتواند نقش مهمی در روابط اجتماعی بین تمامی افراد از هر وضعیتی بوجود آورد. پس پذیرش و اعطای نقش اجتماعی به توان یابان بصورتی که آنان از پایگاه اجتماعی مناسب برخوردار باشند مؤثرترین راهکار از سوی افراد جامعه است.

همه ما

توان یابیم!؟

به بهانه انتشار نشریه توان یاب

مصطفی زکریا پور

انسان، این شاهکار خلقت خداوند تبارک و تعالی با شناخت توانایی‌های محدود خود و مقایسه شرایطش با موجودات دیگر بخصوص در هنگام مواجه شدن با مسائل عدیده‌ای که به مرور زمان برایش اتفاق افتاد، فهمید که به تنهایی قادر به تقابل با محیط پیرامون خود نیست و می‌بایست برای رسیدن به اهداف والای خود از توان دیگران به علاوه استفاده مفید از وسایل این ضعف خود را جبران نماید. از این روسعی کرد تا با اجتماعی نمودن خود و تشکیل گروه و سپس جامعه از هماهنگی اندیشه و توان یکدیگر، خود را قدرتمندتر از قبل سازد. پس به طور کلی انسان به معنای اعم توان یاب و محتاج همکاری و استفاده از توان دیگران است تا وی را قدر به رسیدن به اهداف عالی خود سازد. امروز با توجه به پیشرفتهایی که حاصل شده است نیاز بشر به همکاری و استفاده از توان دیگران بیش از پیش دیده می‌شود و با تخصصی شدن امور و نیز پیچیده‌تر شدن نیازهای انسان لزوم برقراری هرچه بیشتر رابطه با افراد مختلف جامعه بشری بیشتر احساس می‌شود.

پس می‌توان نتیجه گرفت جمیع بشر توان یابند یعنی بدنبال توانی فراتر از توان خود هستند تا به کمک آن قادر به انجام عمل و زندگی بهتر باشند.

تعریف:

بطور کلی هر جز که به علتی دچار شود، معلول نامیده می‌شود. بنابر این تعریف ساده می‌توان گفت افرادی که دچار علت شده‌اند و این علت آنان را از داشتن عضوی و یا عملکرد آن عضوم محروم ساخته (معلول) توان یاب هستند. ولی نباید تصور کرد فقط اینگونه افراد توان یابند و بنا به نظر افلاطون چون اقلیت را تشکیل می‌دهند بقیه جامعه اکثریت محسوب می‌شوند بنابراین باید به دست طبیعت سپرده شوند. بلکه بنا به فرمایش سعدی: بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند. با توجه به تعاریف ذکر شده اکنون برای روشن شدن بحث به چند مثال اشاره می‌کنم:

مثال یک:

ممکن است شما از افرادی باشید که چشم شما از دید ضعیفی برخوردار است و برای بهتر دیدن ناچار با استفاده از عینک با توجه به

قواعد استاندارد جهت تساوی فرصت‌ها برای معلولین

در پایان دهه ۹۲-۱۹۸۳ که از جانب سازمان ملل متحد دهه معلولین نامگذاری شده بود کشورهای عضو با هدف جلب توجه جهانی به نیاز به فراهم آوردن حقوق و فرصت‌های مساوی برای افراد معلول ضمن عنوان سال ۱۹۹۳ بعنوان سال بین‌المللی معلولین، سند بین‌المللی جدیدی - قواعد استاندارد جهت تساوی فرصت‌ها برای افراد معلول - را با امضاء رساندند. این مقاله ترجمه و تلخیص از نشریه سازمان ملل متحد است.

معلولیت نه یک مشکل فردی که یک مشکل اجتماعی است

معلولیت مشکل اقلیتی از جامعه نیست بلکه جزئی از اوضاع بشری است که بطور مستقیم یا غیر مستقیم بر زندگانی صدها میلیون از آحاد جوامع در تمام نقاط جهان اثر میگذارد. موارد معلولیت‌هایی که بر اثر امراض قابل پیشگیری و بلایای طبیعی بوجود می‌آید در سطح بالایی غیر قابل قبولی باقی مانده است. معلولیت‌های ناشی از خشونت علیه بدن، مغز و حواس منتج از جنگ، اعمال تروریستی، شکنجه یا جنایت رو به افزایش است. علاوه بر آن پیشرفت‌های اقتصادی و تکنولوژیکی باعث بروز علل جدیدی از معلولیت از قبیل استعمال مواد مخدر، آلودگی محیط زیست، فشارهای عصبی، افزایش بیماری‌های قلبی و عروق و حوادث ترافیکی و صنعتی گردیده است.

نگرشی جدید به معلولیت

در گذشته افراد معلول منزوی بوده، حقوق آنان نسبت به پیشرفت، به فراموشی سپرده شده و سهم بالقوه ایشان در پیشرفت‌های جامعه

نادیده گرفته شده است. از دیدگاه سنتی، معلولین افرادی متکی و مستحق حمایت تلقی میشدند.

معلولیت موجب شرمساری و فرد معلول محکوم به زندگی در آسایشگاه معلولین بود. اینک زمانه فرقی کرده و بعد از اعلام دهه معلولین (۹۲-۱۹۸۳) توسط سازمان ملل متحد از سال ۱۹۸۱ تغییرات فاحشی در تلقی معلول و معلولیت بوجود آمده است. دیدگاه جدید بر تواناییها و نه ناتوانیهای معلول، تأکید دارد، در جهت ترویج حقوق معلولین، آزادی انتخاب و فرصت‌های مساوی گام برداشته و سعی بر آن دارد که محیط را با نیازهای معلولین انطباق دهد و نه بالعکس. دیدگاه جدید، جامعه را در تغییر نگرش به معلولین و کمک به آنها در جهت قبول مسؤولیت کامل به عنوان اعضاء فعال جامعه تشویق مینماید.

این فلسفه مبنای یک ابزار جدید بین‌المللی، یعنی «قواعد استاندارد جهت تساوی فرصت‌ها برای افراد معلول» را تشکیل میدهد که کمک خواهد نمود تا این انقلاب فکری از قوه به فعل درآمده و در نهایت مستقیماً به معلولین کمک نماید.

حقوق مساوی و...

افراد معلول بعنوان شهروندان جوامع میبایست از کلیه حقوق و مسؤولیت‌های دیگر شهروندان برخوردار باشند. دولت‌ها در جامعه بین‌المللی از این تعهد خود نسبت به معلولین بصورت فزاینده‌ای آگاهی میابند. در نهایت، مسؤولیت دولت‌ها در قبال معلولین شامل تضمین موارد زیر میشود:

- زندگانی آبرومند و مستقل، تا سرحد امکان، در داخل جامعه
- مشارکت فعال در زمینه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و عمومی جامعه
- دسترسی به خدمات آموزشی، پزشکی و اجتماعی در ساختارهای عادی جوامع خود
- دولت‌ها میتوانند با توسل به سیستم‌های حقوقی، حقوق افراد معلول را مورد حمایت قرار دهند.

...فرصت‌های مساوی

دولت‌ها میتوانند قوانینی جهت تضمین تساوی و جلوگیری از تبعیض وضع نمایند. عدم وجود فرصت‌های مساوی برای افراد معلول نه تنها بدلیل مادی بلکه همچنین به لحاظ عدم مشارکت سیاسی آنها در جامعه متضمن ضررهای بسیار است.

روند جدید اصرار بر «خود مراقبتی» داشته و تأکید بیشتری بر حمایت خانواده و محله دارد که آنها بتوانند خدمات لازم را در اختیار افراد معلول قرار دهند. در بسیاری از کشورها این چنین خدمات همچنان در بخش خصوصی متمرکز شده که با اعانات داوطلبانه فراهم میشوند. این چنین خدمات دارای اهمیت میباشند ولی فرصت‌های مساوی برای معلولین را در تمام طبقات جامعه تضمین نمی‌نمایند. دولت‌ها میبایست دسترسی دائمی افراد معلول را به خدمات عمومی اولیه فراهم سازند. تواناییهای بالقوه معلولین آنگاه به نمایش درمیآیند که دولت‌ها فرصت‌های مساوی را برای تمام شهروندان خود تضمین نمایند. فرصت‌های مساوی، افراد معلول را قادر میسازد تا با حفظ آبرو و احترام زندگی خود را اداره نمایند.

قواعد استاندارد

قواعد استاندارد در جهت تساوی فرصت‌ها برای افراد معلول، دولت‌ها و سازمان ملل را در جهت رسیدن به هدف تساوی فرصت‌ها، برای

معلولین در خلال سالهای آینده سوق خواهد داد. جهت تضمین فرصت‌های مساوی، قواعد استاندارد بعنوان ابزار قوی: - استانداردهای فرصت‌های مساوی را تعیین خواهد کرد؛ - اقداماتی را که دولت‌ها بایستی به انجام رسانند فهرست خواهد نمود؛

- به کلیه افرادی که در زمینه معلولین فعالیت دارند رهنمود خواهد داد؛ - افراد معلول، خانواده‌های آنان و سازمانهای مربوطه را بعنوان شرکاء فعال در بهبود کیفیت زندگی ایشان شامل خواهد شد. اگرچه پیروی از قواعد استاندارد قانوناً برای دولت‌ها اجباری نیست با این حال کاربری آن‌ها یکنوع تعهد سیاسی و اخلاقی برای آنها بشمار می‌رود. چنانچه تعداد زیادی از دولت‌ها این قواعد را بکار بندند، این قواعد می‌توانند مبدل به قوانین عرفی بین‌المللی گردند. قواعد استاندارد صورت بندی از یک سری اهداف بلند پروازانه نیستند، بلکه برای دولت‌ها ابزاری عملی به شمار می‌روند که بواسطه آنها کیفیت زندگانی هر جامعه بهبودی یافته و موانعی را که مانع از مشارکت معلولین در جامعه می‌شود از میان برداشته شوند.

پیش شرط‌های مشارکت عادی

حقوق و فرصت‌های مساوی برای معلولین بدون ایجاد یک زمینه قوی امکان پذیر نیست. بنابراین قواعد استاندارد چهار پیش شرط ایجاد آگاهی، مراقبت‌های پزشکی، توانبخشی و خدمات حنسی را پیش‌بینی می‌کند که بتواند زمینه‌ای برای تساوی فرصت‌ها برای معلولین فراهم نماید. این پیش شرط‌ها: - بر اهمیت آگاهی همگان از نیازها، حقوق و تعهد افراد معلول و نیز از امکانات و سهم مشارکت بالقوه معلولین در اجتماع اصرار می‌ورزد؛ - بر اهمیت حمایت از رفاه و بهزیستی معلولین از طریق مراقبت‌های پزشکی مؤثر، توانبخشی و دیگر خدمات جنسی تأکید می‌نماید. اینگونه حمایت، افراد معلول را قادر می‌سازد تا به بالاترین سطح استقلال و تحرک خود نائل شوند.

حدود اهداف برای مشارکت متساوی

افراد معلول میبایست از مشارکت مساوی در زمینه‌های ضروری از قبیل دسترسی، آموزش، اشتغال، تأمین درآمد و بیمه تأمین اجتماعی، زندگی خانوادگی و آبروی فردی، فرهنگ، مذهب، سرگرمی و ورزش برخوردار باشند. هنگامیکه مشارکت مساوی در چنین زمینه‌هایی فراهم آمد زندگی افراد معلول از راه‌های ذیل بهبود خواهد یافت: - تغییراتی در محیط فیزیکی معلولین: معلولین بایستی قادر باشند به ساختمانهای عمومی وارد شوند، از وسائل نقلیه عمومی استفاده نمایند و براحتهای در منازل و محلات خود قادر به تردد باشند. آنها بایستی بدانند چه نوع خدماتی برای آنها فراهم است و به اطلاعات و اسناد موجود از طریق زبان حرکات و علائم خاص کربال‌ها (ناشنویان)، الفبای خاص نابینایان (بریل)، کتابهای چاپی با حروف درشت، خدمات نوار و تکنولوژی مناسب دسترسی داشته باشند. - تغییراتی در محیط‌های آموزشی و حرفه‌ای: افراد معلول میبایست از نظر اصولی در سیستم آموزش و پرورش عمومی تعلیم و تربیت یابند و به شغل مفید و درآمدزا دسترسی داشته باشند. آنانکه نیازهای ویژه داشته باشند بایستی در صورت ضرورت از مزایای مربوطه برخوردار شوند.

- تغییراتی در محیط‌های اجتماعی آنان: آبروی شخصی و زندگانی افراد معلول بایستی بهبود یابد - قوانین نباید در مورد ایشان در زمینه‌هایی از قبیل روابط جنسی، ازدواج و حق تشکیل خانواده تبعیض

قابل شوند. معلولین بایستی قادر باشند در صورت تمایل در فعالیت‌های مذهبی جوامع خود مشارکت داشته و از امکانات تفریحی همانند دیگران برخوردار باشند.

ضوابط اجرایی:

برای نیل به اهداف مشارکت متساوی بایستی ضوابط اجرایی صحیح به وجود آورد. بر اساس قواعد استاندارد چنین ضوابط اجرایی صحیحی میبایست شامل اطلاعات و تحقیقات، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی، قانونگذاری، سیاستهای اقتصادی، هماهنگی کار، هماهنگی سازمانهای فعال در امور معلولین، تعلیم پرسنل، نظارت و ارزیابی برنامه‌های معلولین در سطح کشور، همکاریهای فنی و اقتصادی و همکاریهای بین‌المللی باشد.

این ضوابط دقیقاً مسؤلیت دولت‌ها را در جهت تضمین بسیاری از موارد، منجمله موارد زیر:

- که موازین قانونی جهت حمایت از حقوق و تضمین تساوی کامل افراد معلول وجود دارد؛

- که نیاز افراد معلول در تمام برنامه‌ها و بودجه‌های کشور منظور گردیده؛

- که سازمانهای معلولین در تشریح سیاست‌های ملی نقشی فعال دارند؛

- که یک کمیته ملی یا موجودیتی مشابه جهت تمرکز بر موضوعات مربوط به معلولین بوجود آمده است؛

- که دسترسی به فرصت‌های مساوی از طریق ایجاد سیستم‌های پیگیری و ارزیابی مورد اطمینان است؛

مشخص خواهد نمود. در سطح بین‌المللی دولت‌ها میبایست ابتداء سیستمهای خود را در رابطه با افراد معلول تقویت نمایند و سپس در جهت بهبود اوضاع شهروندان معلول در کشورهای در حال توسعه با یکدیگر همکاری نمایند.

مکانیسم نظارت

التهایه، بمنظور اجرای مؤثر، قواعد شامل یک سیستم پیگیری درون ساخت (built in)، مکانیسم نظارت، می‌باشد که کوشش دولت‌ها را در جهت ارتقاء کیفیت زندگی جوامع خود یاری میدهد. این مکانیسم هماهنگی‌ایکه از طریق سازمانهای مربوطه را مد نظر قرار می‌دهد.

افراد معلول می‌بایست از مشارکت مساوی در زمینه‌های ضروری از قبیل دسترسی، آموزش، اشتغال، تأمین درآمد و بیمه تأمین اجتماعی، زندگی خانوادگی و آبروی فردی، فرهنگ، مذهب، سرگرمی و ورزش برخوردار باشند

ضایعات نخاعی (گردن و کمر) و... نیز شایسته نامیدن کلمه تحقیر آمیز معلول نیست.

توان یاب کسی است که می‌داند در کجای بدنش چه حادثه‌ای اتفاق افتاده که او را ناگزیر ساخته است تا بخود و دیگران ثابت کند که بدان سبب نباید او را معلول (بیمار) نامید.

همانگونه که نمی‌شود کسی را به لحاظ جنسیت و رنگ پوست و حتی کوتاهی و یا بلندی قد از حقوق طبیعی و انسانی محروم دانست عقل و انصاف حکم می‌کند همگان بپذیریم که او همچون دیگر افراد بشر توان یاب است.

اگر زمانی افراد توان یاب را معلول خطاب می‌کردیم می‌توانست آسایش خاطری برایشان فراهم آورد و مهر سکوت بر دهانشان بگذارد، اکنون دیگر چنین نیست و آنان حق دارند که از ما بخواهند به چشم حقارت و ناتوانی به آنها ننگریم و معلول خطابشان نکنیم. زیرا این سعادت نیست و افتخاری ندارد که ما خود را توانا و بی‌نیاز؛ و آنان را محتاج دستگیری و ترحم بدانیم. بلکه این ماییم که نیازمند همیاری و اثبات انسانیت برای خود هستیم.

چو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
و برای آنکه قرار و سکینه روانی - اجتماعی پیدا کنیم، خود به پیشواز آنان برویم و به جای ماهی دادن، به آنان ماهی گیری بیاموزیم.

لذا قید کلمه معلول بر اینگونه افراد روا نبوده و این نام‌گذاری شایسته و منطبق بر واقعیت وجودی آنان نیست. زیرا با این عمل فرصت‌ها را بر ایشان محدود ساخته و این امر را بر آنان مشبته می‌سازیم که ناتوان و مستحق دستگیری مداوم بوده و محروم از بسیاری مواهب طبیعی عالم همچون استقلال مادی، اجتماعی، اقتصادی و حتی روانی خواهند شد. و نتیجه‌ای جز عدم اعتماد به نفس و از خود باختگی و تلقین ناامیدی و عزلت دائمی برای آنان نخواهد داشت.

از اینرو کلمه مرکب توان یاب که از دو کلمه مثبت 'توان' و 'یاب' تشکیل شده است را برای جایگزینی کلمه معلول پیشنهاد می‌کنیم.

معلول

یا

توان یاب؟

خسرو منصوریان

معلول یک کلمه عربی است که از ریشه (علل) مشتق میگردد و در برخی از شهرها و بسیاری روستاهای کشورمان هنگامیکه می‌خواهند بگویند فردی مریض شده است، می‌گویند «دچار علت شده» و یا وقتی می‌خواهند بگویند فردی بدور تسلسل بیماری گرفتار آمده است، می‌گویند روی «علت» افتاده است.

از آنجا که مرض و بیماری با ناتوانی و ضعف جسم و روح و بعضاً محدودیت‌های جسمی و حرکتی توأم می‌باشد از اینرو اطلاق کلمه معلول به بیماران دور از حکمت نیست.

لیکن عنوان کلمه معلول (بیمار) به کسانی که فی‌المثل برخی از اندامها و اعضای بدن آنان در اثر سوختگی تغییر فرم داده و کسانی که به علل گوناگون دچار قطع اندامهای مختلف مانند: دست، پا و نخاع هستند و یا کسانی که فرم و شکل ظاهری اندامهای مختلف آنان متعارف نیست، لکن ۱۰۰٪ کارائی آنان منطبق با فرم است، منطقی به نظر نمی‌رسد. امروزه نابینایی، ناشنایی، انواع اسکلیوز (Scoliosis) (انحراف ستون فقرات) و انواع Anputation (قطع یک یا دو دست و یا پا) و



مناطق جنگ‌زده و مناطق قحطی‌زده بین ۶ تا ۱۰ درصد جمعیت دنیا (حدود ۵۰۰ میلیون نفر) دارای یک یا چند معلولیت هستند، حدود ۱۶۰ میلیون خانمها و ۱۴۰ میلیون کودکان و بقیه مردان هستند. حدوداً ۳۰۰ میلیون معلول در کشورهای توسعه نیافته زندگی میکنند که فقط ۱٪ از آنها امکان دسترسی اولیه به بهداشت آموزش و به اندازه کافی دارو و درمان را دارند. با ازدیاد جمعیت، فقر، تصادفات و جنگ، این ارقام بمراتب ازدیاد خواهد یافت.

در سال ۱۹۸۷ در نشست متخصصین در استهکلم با وجود رسیدن به مناطق حفاظت شده، پیشرفت کند بوده است مخصوصاً در کشورهای توسعه نیافته که با مسائل اقتصادی و اجتماعی روبرو هستند. در هر صورت در سطوح بین المللی، ناحیه‌ای و ملی، سیاست جدید و برنامه‌ریزی‌هایی را در این دهه ایجاب میکند که کمک به آرام کردن این موقعیت بنماید. مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی و سازمانهای دیگر بین المللی تغییراتی در تصمیمات و نظرات داده‌اند تا برنامه جامع و کاملی برای معلولین مشخص شود در سالهای آخر دهه معلولین در سال ۱۹۹۲، مشخص شد که، به کجا رسیده و کمبودها چیست، لذا باید امتحان و بررسی کنیم که چگونه میتوان پیشرفت داشت.

تفاهم و دانش اضافه شده است

اعراض و تبعیض فاکتورهایی از مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی معلولین هستند. بنظر میرسد که در سال بین المللی مربوط به معلولین (۱۹۸۱) و برنامه عملی جهانی، کمک قابل ملاحظه‌ای را برای کسانی که میخواهند این تبعیض برای چنین افرادی کم شود بوجود آورده است. بدون شک آنچه را که در این دهه به آن رسیده‌ایم آگاهی بیشتری در مورد معلولین بین سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، سیاست‌مداران، سرپرست‌دهندگان، پدران و مادران و همچنین بین خود معلولین است. آگاهی عمومی در سطح ملی تعهداتی را در بسیاری از کشورها بوجود آورده است که به آن برنامه آموزش عمومی و مهم و بزرگ روز معلول در سطح ملی اضافه شده است این اقدامات محققاً کمک به تغییرات فرهنگی مثبتی در جوامع بوجود آورده و بالاخره مردم این آگاهی را پیدا کرده‌اند که جامعه باید سدها و موانع را از بین برده و معلولین بتوانند در کارهای اجتماعی شرکت کنند.

در حالیکه شرکت معلولین در مسائل مختلف اجتماعی توسعه یافته است ولی معلولین هنوز به عنوان عضوی تصمیم‌گیر در سطح ملی و بین المللی شرکت داده نمی‌شوند. علاوه بر موضوع نیکوکاری به خاطر عدم توانائی معلولین قدمهای مؤثری باید برای رشد و توسعه سازمانهای مربوط به معلولین برداشته شود.

دهه سازمان ملل در مورد

توان یابان و پیشرفتهای آنان

استخراج از منابع سازمان ملل متحد
مترجم: دکتر محمد حسن اسلامی

در سال ۱۹۸۲ مجمع سازمان ملل متحد برنامه‌ریزی جهانی را در مورد معلولین مورد موافقت قرار داد. همزمان با این موافقت، برنامه دو ساله سازمان ملل برای معلولین اعلام گردید تا کمک به سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، وضع‌کنندگان قانون و دیگران بشود و سیاستهای مربوط به معلولین با آگاهی گزیده شود و چهارچوب زمانی برای اجرای آن در برنامه‌ریزی جهانی تعیین گردد.

آشنائی جدید با معلولیت

اولین ارزیابی برنامه‌ریزی جهانی بوسیله UNOV/CSDHA که در اواسط دهه مربوط به معلولین تشکیل شد توسط سازمان ملل برای انسانهای معلول و بوسیله متخصصین در یک نشست جهانی در سال ۱۹۸۷ در استهکلم که شامل مسائل معلولین بود انجام شد در این نشست متخصصین اعتراف کردند که برنامه عملی جهانی مدت جدیدی را پیشنهاد کرده و تفاهم مربوط به معلولیت را بالا برده است. این موضوع با بررسی مجدد در محتوی برنامه حقوق بشر و با پیشنهاد راه عملی که معلول بتواند حق مساوی داشته باشد. مورد تأیید قرار گرفت. با این چهارچوب حفاظت شده مانند توانیابی و تساوی در فرصتها، این برنامه راهی را باز کرد که در آینده شخص معلول بتواند در اجتماع پیشرفته با حق و مسئولیت مساوی شرکت نماید.

علائم ازدیاد ناتوانان

با وجود آنکه پیشرفتی در بعضی از کشورها بخاطر بهداشت و توانیابی انجام داده‌اند تعداد معلولین در دهه اخیر روبه ازدیاد است مخصوصاً در

هم آهنگی برای پیشرفت و ثبات

در طی ده سال گذشته سازمانهای دولتی و سازمانهای غیر دولتی و سازمانهای مربوط به معلولین سیاستهایی را برنامه‌ریزی کرده‌اند تا ناهماهنگی در سطح ملی که در اثناء سال بین المللی معلولین تشکیل شده بود برطرف گردد. از سال ۱۹۸۸ مکانیسم هم آهنگی برای توسعه سیاستگزاری و بوجود آوردن آن بسیار مهم تلقی شده است با وجود همه این اقدامات اساس این سازماندهی و حدود مسئولیتها ناکافی میباشد. بهمین علت جلسه سازمان ملل در کشور چین خطوطی را برای بوجود آوردن هم آهنگی برای کمیته توسعه ملی معلولین یا مواردی شبیه آنرا برای الویت دادن در سطح ملی معین نمود. بوسیله کمک کشورهای برای تشریح تقویت وظیفه و هم آهنگی ملی، سازمان ملل امیدوار است با پیشرفت ساختاری و سازماندهی جدید بتوان هرچه بیشتر معلولین را در فعالیتهای اجتماعی شرکت داد.

بدون شک آنچه را که در این دهه به آن

رسیده‌ایم آگاهی بیشتری در مورد

معلولین بین سیاستگزاران،

برنامه‌ریزان، سیاسیون، سرویس

دهندگان، پدران و مادران و همچنین

بین خود معلولین بوده است.

سازمانهای معلولین برای استفاده بیشتر

رشد و توسعه سازمانهای معلولین نتیجه گامهای مؤثری است که در این دهه بر داشته شده است معلولین بوسیله سازمانهایشان قادرند نفوذ بیشتر، بدست آوردن احترام در جامعه و دسترسی به استقلال بیشتر و امکان استفاده بیشتر از منابع کشور را داشته باشند. علیرغم همه این امکانات منابع این سازمانها بسیار ضعیف است که بدین ترتیب بسیار آسیب پذیر خواهند بود. در حالیکه شرکت معلولین در مسائل مختلف اجتماعی توسعه یافته است ولی معلولین هنوز بعنوان عضوی تصمیم‌گیر در سطح ملی و بین المللی شرکت داده نمی‌شوند. علاوه بر موضوع نیکوکاری و عدم توانایی معلولین قدمهای مؤثری باید برای رشد و توسعه سازمانهای مربوط به معلولین برداشته شود.

معلولین بوسیله سازمانهایشان قادرند

نفوذ بیشتر، بدست آوردن احترام در

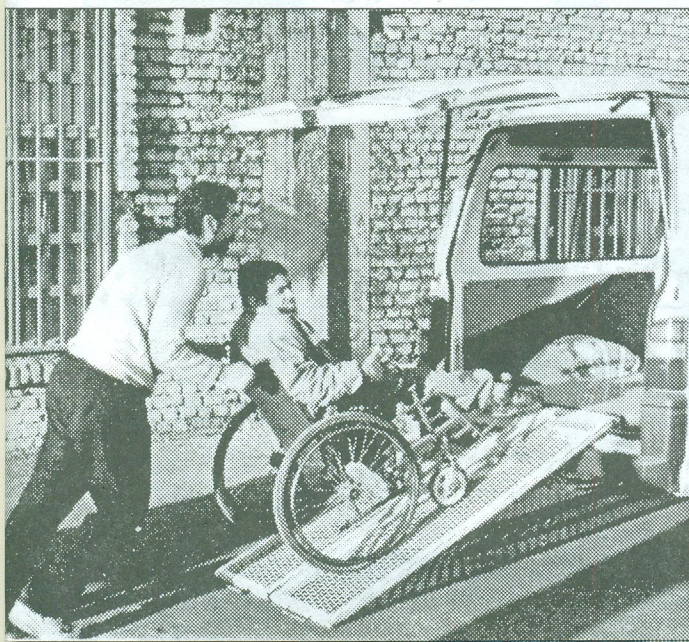
جامعه و دسترسی به استقلال بیشتر و

امکان استفاده بیشتر از منابع کشور را

داشته باشند

تبادل اطلاعات

در سال بین المللی معلولین و شروع دهه مربوطه آگاهی مردم در مورد معلولین به مقدار زیادی افزایش یافت و تبادل اطلاعات در این مورد بیشتر شد مخصوصاً در کشورهای صنعتی، مردم در این راه به بحث پرداختند و در تعدادی از کشورها اطلاعات ارزنده‌ای در مورد معلولین جمع‌آوری شد در سال ۱۹۶۰ فقط ۱۵ کشور مسائل مربوط به معلولین را جزء برنامه و کار خود قرار داده بودند و اکنون بیش از ۵۵ کشور، تعداد زیادی از کشورهای اروپایی شبکه کامپیوتری تشکیل داده و از این طریق اطلاعات را رد و بدل می‌کنند، در بعضی از کشورها اطلاعات به روز کافی نیست. اختلافات در تفهیم اطلاعات، عدم امکان سرشماری دقیق موجب برنامه‌ریزی ضعیف و تصمیمات ناقص می‌شود. برای تغییر وضعی که گفته شد بسیاری از کشورها احتیاج به تغییرات در اطلاعات بدست آمده دارند تا بتوانند این اطلاعات را به سیاستگزاران و برنامه‌ریزان بدهند. در این رابطه سازمان ملل به کشورهای در حال توسعه کمک خواهد کرد تا آمار معلولین و تبادل اطلاعات مربوط به کشورهای دیگر را بدست آورند.



توسعه منابع انسانی - آموزش، آموزش عملی، و استخدام

برای به تحقق پیوستن استقلال معلولین، کشورها گزارشاتی مبنی بر نحوه آموزش خصوصاً آموزش عملی داده‌اند. مناسبانه مسائل فرهنگی و سدهای جانبی اغلب موانعی هستند بر پیشرفت کارهای مربوط به معلولین، با وجود این موضوع اصلی باقی مانده است. آموزش ابتدایی و راهنمایی در تعدادی از کشورها انجام شده خواه این آموزش در مدارس عمومی یا مدارس استثنائی باشد ولی آموزش در سطوح بالاتر کمتر امکانش بوجود آمده است و نحوه آموزش در کشورهای در حال توسعه و یا توسعه یافته بسیار اختلاف دارد.

در هر صورت آموزش از نظر محتوایی و کیفیت باید مهارت کافی را شامل شود تا معلول بتواند استقلال کاری داشته باشد که در بیشتر کشورها چنین نیست.

موضوع استخدام در بسیاری از کشورها احتیاج به قانون کار مناسب و قائل شدن حق کار برای معلولین دارد. اضافه بر مسائل فوق موضوع خود اشتغالی و روش دریافت حقوق ماهیانه در بعضی از کشورهای پیشرفته بوجود آمده است هنوز سدهای جانبی مانع از دسترسی معلولین به کار مناسب هستند و حال آنکه اغلب کارفرمایان از توان معلولین در انجام کار بی‌خبرند.

گزارش سازمان بین‌الملل کار حاکی از آن است که آمار معلولین بیکار دو تا سه برابر بیشتر از کسان دیگر است، البته این تعداد در کشورهای پیشرفته بیشتر است. بخاطر فقدان آموزش علمی و عملی معلولین را در سطوح پائین استخدام میکنند، تشخیص در رکود بازار کار معلولین را مجبور می‌کند که علیرغم قابلیت و تجربه خود کار پائین تر از سطح خود را قبول کنند. خانمهای معلول، مهاجران معلول، کارگران و معلولین پناهنده در بازار کار شانس کمتر دارند. زیرا بخاطر موقعیتشان گروه منسجم و با قدرتی نیستند،

در سالهای آینده این موضوعی است که با سرعت دولتها، سازمانهای غیر دولتی سازمانهاییکه مربوط به معلولین هستند باید در باره آن فکر و تصمیم‌گیری نمایند.

کمک بوسیله گروه‌های بین‌المللی

تعدادی از سازمانهای بین‌المللی و سازمانهایی از ملل متحد کتاب راهنما و کتاب دستور العمل با نوآوری‌هایی چاپ و در اختیار قرار داده‌اند ولی این کتابها هیچکدام به اندازه کافی کاربرد در سطح ملی و کشورها را ندارند. بسیاری از کشورهای توسعه یافته برنامه جامعی که با برنامه علمی جهانی مطابقت داشته باشد ندارند و این در حالی است که دولتها برنامه اشتغال معلولین را در برنامه توسعه ملحوظ نکرده‌اند.

بخاطر فقدان آموزش علمی و عملی

معلولین را در سطوح پائین استخدام

میکند، تشخیص در رکود بازار کار

معلولین را مجبور می‌کند که علیرغم

قابلیت و تجربه خود کار پائین تر از

سطح خود را قبول کنند.

مکرراً از کشورها در دهه مربوط به معلولین خواسته شده که در نشست برای حق تساوی و یک روش استاندارد و استراتژی بلند مدت در برنامه عمل جهانی پیشنهاد نمایند، بهمین علت سازمان SOE/ECO در سال ۱۹۹۰ به کمیته‌ای اختیار داد تا روش استاندارد را تهیه و اعلام نمایند.

تغییرات جدید در دهه مربوط به معلولین

علیرغم کارهاییکه در این دهه انجام شده ولی تا هدف اصلی که رسیدن به حق تساوی میباشد راه درازی باید طی شود. در اغلب کشورهای توسعه یافته جای برنامه‌ریزی برای این منظور خالی است ضعف مالی بر اولویت قرار دادن قانون برای معلولین اثر گذاشته و در هر صورت حق استفاده مساوی هنوز ایده‌آل نیست لذا همه ملتها باید برای رسیدن به آن کوشا باشند.

سال ۱۹۹۲ پایان دهه مربوط به معلولین در سازمان ملل بوده و پایه‌ای برای توسعه‌های آتی میباشد آنچه که ما در این سال آموخته‌ایم باید مدنظر قرار داده و سعی در کاربرد آن نماییم، اکنون زمان آن رسیده است که با توجه به تجربیات گذشته برنامه‌ریزی جدید برای معلولین انجام دهیم.

در سال ۱۹۹۰ مجمع عمومی از دبیرکل سازمان ملل درخواست به تعویق انداختن برنامه معلولین در سازمان ملل را بدون توجه به اطلاعاتی که در این مدت بوجود آمده است نمود. باید تا سال ۲۰۱۰ گروهی که برای همه کارساز باشد بوجود آید. گروهی که فقط در مورد حق تساوی اعضایش بدون توجه به جنسیت، سن، نژاد و معلولیت عمل نماید. برای رسیدن به این هدف، مدیریت سازمان ملل مرتباً روشهای بلندمدت برای کمک به اعضایش بوجود می‌آورد تا وراى برنامه‌های عملی که در دهه مربوط به معلولین تدوین شده حرکت نمایند.

جلسه‌ای از متخصصین سازمان ملل متحد از تاریخ ۲۵ تا ۲۹ آوریل سال ۱۹۹۲ در ون کور کانادا تشکیل شد که یک برنامه بلند مدت را تا سال ۲۰۰۰ به نام برنامه عملی جهانی طراحی کنند. گزارش این نشست برای اظهار نظر و تهیه مدارک و تبادل دانستنیها به عمل آمد و این گزارش به کمیسیونی که در فوریه سال ۱۹۹۳ تشکیل شد ارائه و نتیجه آن به چهل و هشتمین جلسه مجمع عمومی تقدیم گردید.

بالاخره با یک استراتژی بلند مدت سازمان ملل متحد چهارچوبی را برای شرکت مساوی معلولین در فعالیتهای اجتماعی تهیه نموده و این استراتژی باید به حکومتها و سازمانها کمک کند تا برنامه‌هاییکه در سالهای بین ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۰ پیش‌بینی کرده‌اند مورد اولویت و حمایت قرار گیرد که معلولین بتوانند با حق مساوی در فعالیتهای اجتماعی و استقلال زندگی دست یابند.

تعهد پرداخت هزینه‌ها

توافق شد که هر توسعه اجتماعی احتیاج به منابع مالی دارد و بطور وضوح روشن است که کمبود منابع مالی رسیدن به اهداف برنامه جهانی را با مشکل روبرو میکنند. در حالیکه بین سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۱ نسبت هزینه‌هاییکه دولتها به GNP پرداختند اضافه شده ولی تعهدات برای معلولیت به آن نسبت اضافه نکردید. برآورد میشود که در اواسط سال ۱۹۸۰ هزینه‌هاییکه برای سلامت و بهداشت در بسیاری از کشورهای توسعه یافته پرداخت شده نصف تا یک چهارم مبلغی بوده که در دهه قبلی پرداخت گردیده است. کم شدن سرمایه‌گذاری در مسائل اجتماعی اجباراً روی زمان تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری اقتصادی جهانی موثر خواهد بود. بخاطر نگهداری توسعه در سطح ملی مهم است که اساساً منابع مالی برای این وظیفه افزایش یابد.

استراتژی توان‌یابان در کشورهای مشترک‌المنافع

دکتر قاسم صالح خو

بیشتر اهالی استرالیا بر این باورند که هر تبعه استرالیا بصورتی عادلانه از مواهب زندگی بهره‌مند است گاهی اوقات آنها دسترسی به تعلیم و تربیت، خانه امن و مطمئن، شغل، بازبهای ورزشی و بعبارت ساده برخوردارند و آبرومندان را امری مسلم و بدیهی می‌دانند. در عین حال برای برخی افراد توان‌یاب (معلول) حتی شناسایی حقوق بدیهی ایشان در جامعه تلاشی طاقت فرساست.

در سالهای گذشته اصلاحاتی جهت‌آزیداد فرصتها برای توان‌یابان صورت پذیرفته است. این اصلاحات شامل وضع قوانین و اجرای سیاستهایی از قبیل «قانون خدمات توان‌یابی ۱۹۸۶»، «مجموعه اصلاحات توان‌یابی ۱۹۹۱» و «قانون تبعیضات توان‌یابان ۱۹۹۲» می‌شود. اخیراً به فهرست این اصلاحات چشمگیر «استراتژی توان‌یابان در کشورهای مشترک‌المنافع» نیز اضافه گردیده است. این استراتژی یک چهارچوب برنامه ریزی برای آژانس‌های مشترک‌المنافع است که بر اساس آن می‌توانند دسترسی به کلیه برنامه‌های مشترک‌المنافع، خدمات و عملیات را برای اشخاص توان‌یاب فراهم سازند.

این استراتژی تعهدات استرالیا را در زمینه حقوق بشر که شامل «قواعد استاندارد سازمان ملل برای برخورداری افراد توان‌یاب از فرصتهای مساوی» نیز می‌شود حمایت می‌کند. «استراتژی توان‌یابان در کشورهای مشترک‌المنافع» و «قانون تبعیضات توان‌یابان» نشان دهنده تغییر است در نقطه تمرکز از یک دیدگاه کمکی رفاهی به یک دیدگاه متمرکز بر اساس «حقوق بدیهی» که منعکس کننده

نیازهای افراد توان‌یاب باشد. این خود قدمی مهم در جهتی صحیح است.

افراد از اقصی نقاط کشور به نحوی مبسوط بر پیش‌نویس این سند اظهار نظر کرده‌اند. عقاید افراد توان‌یاب، دوستان آنها، مراقبین و سازمانهای ذیربط در نسخه نهائی این سند ملحوظ گردیده است. هدف اصلی وسعت بخشیدن به خدمات و برنامه‌های ارائه شده توسط کشورهای مشترک‌المنافع است بطریقی که افراد توان‌یاب را در برگیرد. ملحوظ داشتن افراد توان‌یاب در تمام شئون زندگی جامعه همگی ما را منتفع خواهد ساخت. این استراتژی ما را در جهت دستیابی به هدف یک جامعه مترقی، عادلانه و منحصر بفرد که در آن کلیه شهروندان از حقوق مساوی برخوردار باشند سوق خواهد داد. استراتژی بر این عقیده استوار است که افراد توان‌یاب دارای همان حقوق بنیادینی می‌باشند که دیگر اتباع استرالیا از آن بهره‌مند هستند و بایستی از فرصتهای مساوی در جامعه برخوردار باشند.

دولت مشترک‌المنافع (استرالیا) حقوق زیر را برای هر فرد توان‌یاب به رسمیت می‌شناسد:

- بعنوان یک شهروند ارزشمند شناخته شود.
- دسترسی مساوی بر سیستمهای جامعه و محیط زندگی خود داشته باشد.
- فرصت یابد در زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی جامعه خود مشارکت نماید.
- نیازهای او در برنامه‌ریزی و مدیریت‌های خدمات عمومی و زیربنایی در نظر گرفته شود.
- فرصتهای وی جهت نیل به سمت استقلال به حداکثر برسد.
- در تصمیم‌گیری‌هایی که بر زندگانی وی و محیط آن اثر می‌گذارد مشارکت یابد.
- روابط مورد علاقه خود را برقرار و حفظ نماید.

ملحوظ داشتن افراد توان‌یاب در تمام شئون زندگی جامعه همگی ما را منتفع خواهد ساخت. این استراتژی ما را در جهت دستیابی به هدف یک جامعه مترقی، عادلانه و منحصر بفرد که در آن کلیه شهروندان از حقوق مساوی برخوردار باشند سوق خواهد داد.

استراتژی با اطمینان خاطر مشارکت استرالیا در نحوه زندگی در جوامع از طریق برنامه‌ها و خدماتی که بتواند بنحو احسن حقوق افراد توان‌یاب را تأمین نماید، اصرار می‌ورزد و یک برنامه دهساله برای ادارات کشور به شرح زیر تهیه نموده است:

- این باور را در توان‌یابان بوجود آورد که ایشان نیز همانند دیگر افراد جامعه دارای حقوق بنیادین می‌باشند.
- موانع تهیه برنامه و اجراء آنها را شناسایی و مرتفع سازد.
- تبعیضات شغلی کارفرمایان و مجریان برنامه را از میان بردارد.
- برنامه استراتژی‌ها و عملیات را بنحوی تهیه کنند که نیازهای توان‌یابان در برنامه‌ریزی و خدمات مربوطه به حساب آورده شده باشد.
- استراتژی در نتیجه مشاورت با توان‌یابان، حمایت‌کنندگان از آنها، جامعه و آژانس‌های دولتی کشور تهیه گردیده است.

تحرك خود را از دست می‌دهد و جهت تامین ابتدائی ترین نیازهای خود متکی به دیگران خواهد شد و به حمایت یک گروه بسیار هماهنگ شامل پزشک، پرستار، تراپیست، متخصص تغذیه، مددکار اجتماعی،

روانشناسی و مشاور حرفه‌ای نیازمند است تخصص و علاقمندی و احترام آنان به ویژگیهای فردی توان‌یاب می‌تواند وی را در کسب مهارت‌ها یاری نماید و نیروی نهفته احساسی را که جهت بقا در جامعه ضرورت دارد در وی برانگیزد. از نظر اکثر افراد دوره همسازی و تطبیق ضایعه ناشی از آسیب نخاعی، دوره‌ای بسیار طولانی و دردناک شناخته شده است.

متخصصانی که می‌توانند دانش و آگاهی خویش را با نیازها و اهداف هر یک از توان‌یابان بیامیزند تا بیشترین نیروی بالقوه آنان را فعال نمایند، بهای غیر قابل تخمین دارند. فرد آسیب دیده نخاعی تحت فشارهای بسیار زیاد جسمی و عاطفی قرار می‌گیرد. جهت مقابله موفقیت آمیز با این فشارها و تطابق مجدد با تغییراتی که در سبک زندگی و تصور ذهنی فرد از خود، بوجود می‌آید به تقویت مهارت‌های مبارزه جویانه گذشته و فراگیری امور جدید نیاز خواهد داشت متخصصین ذکر شده بویژه مددکار اجتماعی در سراسر این دوره با تشخیص تفاوت‌های میان گذشته فرد و محیط کنونی که ممکن است بر رفتار وی تأثیر بگذارد نقش حیاتی ایفاء می‌کنند و آنگاه به نحوی برنامه‌ریزی می‌نمایند که در جهت استقلال عاطفی و جسمی و اجتماعی آسیب‌دیدگان نخاعی فرصتهائی فراهم آید.

حال پس از مقدمه فوق به تعریف توانبخشی و سپس نقش مددکار اجتماعی در بازتوانی افراد آسیب دیده نخاعی که موضوع اصلی این مقاله است می‌پردازیم.

تعریف توانبخشی

توانبخشی عبارت است از مجموعه‌ای اقدامات پزشکی، آموزشی، حرفه‌ای، اجتماعی که موجب استقلال نسبی در افراد کم‌توان و آسیب دیده می‌شود و سبب بازگشت مجدد آنان به جامعه و استفاده یکسان از فرصتهای مختلف اجتماعی، آموزشی و اقتصادی در مقایسه با افراد سالم می‌گردد.

فرایند توانبخشی:

توانبخشی به سه بخش عمده تقسیم می‌شود: ارزیابی، درمان و قادرسازی که این سه قسمت الزاماً و در تمام موارد به دنبال هم انجام نمی‌گیرند: گاه ممکن است هر سه مرحله با هم و یا بر حسب مورد روی یکی از این سه مرحله تأکید بیشتری شود. وجود افراد کاملاً آموزش دیده با تجربه و کارشناس در تیم توانبخشی حائز اهمیت است. چرا که افراد توان‌یاب نیاز به همساز شدن با جامعه و محیط زندگی خود و نیز انتظار پذیرفته شدن در خانواده و اجتماع را دارند و در اینجاست که نقش اعضای تیم توانبخشی به ویژه مددکاری به وضوح روشن می‌شود. حال به اختصار به توضیح هر یک از مراحل می‌پردازیم.

الف: ارزیابی

ارزیابی اولین قدم در برنامه فرایند توانبخشی است که در مورد هر مددجو باید صورت پذیرد و شامل مراحل زیر است:

نقش مددکار

اجتماعی

در توانبخشی

افراد توان‌یاب

آسیب دیده

نخاعی

ابوالفضل بهمن

مقدمه

ضایعه نخاعی حادثه‌ای ناگوار همراه با پیامدهای غیر قابل پیش‌بینی برای فرد مبتلا، خانواده و دوستان و یا بطور کلی برای اجتماع می‌باشد:

مطالعاتی که توسط مراکز پژوهشی اطلاعاتی ضایعات نخاعی انجام شده نشان میدهد که بیش از ۶۰٪ این ضایعات گریبانگیر جوانانی میان سنین ۳۰-۱۵ سال میشود.

جنس مذکر ۸۰٪ گروه مبتلا به ضایعات نخاعی را تشکیل می‌دهد و تنها در ایالات متحده آمریکا بیش از ۲۰۰ هزار نفر با اختلالات نخاعی زندگی می‌کنند که هزینه نگهداری بسیاری از آنان در طول عمر از ۴۰۰ هزار دلار تجاوز می‌کند.

آنچه که هرگز نمی‌توان ارزیابی نمود غرامت عاطفی آن است، فردی که فعال و مستقل و در زندگی خود صاحب اراده و اختیار بوده است در یک دم و یا در اثر اتفاق آنی کنترل جسمی و

ارزیابی پزشکی: شامل تشخیص بیماری، نوع ضایعات و صدمات، میزان و درصد آن و پیش‌بینی میزان معلولیتی است که باقی خواهد ماند.

ارزیابی فعالیت‌های جسمی: شامل تشخیص آن قسمت از فعالیت‌های جسمی و توانایی‌هاییست که در اثر آسیب از دست رفته و یا کاهش یافته است و نیز ارزیابی آن تعداد از اعضای است که صدمه ندیده است.

ارزیابی عاطفی و روانی: شامل برآورد ظرفیت‌های ادراکی و شناختی بیمار، و توازن عاطفی و سایر ویژگی‌های روانی فرد می‌باشد.

ارزیابی اجتماعی: بررسی زمینه فرهنگی و آموزشی، اشتغال و نیز شناخت وضعیت خانوادگی فرد بیمار است.

ارزیابی اقتصادی: شامل برآورد حدود توانایی کسب و کار و میزان تأمین مادی و تشخیص منابع مالی فرد است به گونه‌ای که بتواند برای ادامه زندگی به آنها متکی باشد.

ب: درمان:

مفهوم درمان در توانبخشی چیزی بالاتر از درمان جسم و ترمیم نقص عضو است. و آن شامل درمان جسمی همراه با درمان عاطفی و اجتماعی می‌باشد که فرایندی طولانی است و به همین دلیل پزشک یا جراح پس از درمان فیزیکی و انجام معالجات لازم است که با همکاران تیم توانبخشی مشورت نماید و از دانش و تجربیات فیزیوتراپ، کاردرمانگر، مددکار اجتماعی، روانشناس و... برای تنظیم یک برنامه جامع توانبخشی بهره‌گیری نمایند.

توانبخشی عبارت است از مجموعه‌ای

اقدامات پزشکی، آموزشی، حرفه‌ای،

اجتماعی که موجب استقلال نسبی در افراد

کم‌توان و آسیب دیده می‌شود و سبب

بازگشت مجدد آنان به جامعه و استفاده

یکسان از فرصت‌های مختلف اجتماعی،

آموزشی و اقتصادی در مقایسه با افراد سالم

می‌گردد.

ج: قادرسازی:

قادر سازی یک جریان دو طرفه به شرح ذیل می‌باشد:

۱- آماده‌ساختن بیمار جهت بازگشت به خانواده و جامعه خود همراه با پذیرش معلولیت خویش.

۲- آماده‌ساختن جامعه و خانواده برای پذیرش فرد توان‌یاب و سازش با معلولیت وی پس از مراجعت.

از اینرو باید توجه داشت که آماده ساختن توان‌یاب برای بازگشت به محیط اجتماع و نیز آماده ساختن جامعه و خانواده برای پذیرش فرد توان‌یاب کاری تخصصی است و نیاز به مشاوره با افراد کار آزموده به ویژه مددکار اجتماعی دارد، تا بر روند قادرسازی و پیگیری آن بیس از ترخیص از بیمارستان و یا مرکز توانبخشی نظارت کامل داشته باشد.

نقش مددکار اجتماعی در تیم توانبخشی:

فردی که دچار ضایعه نخاعی شده پس از انتقال به بیمارستان و یا مرکز توانبخشی و طی مراحل پزشکی مورد نیاز، تحت نظر تیم توانبخشی قرار می‌گیرد. در چنین مواردی نخستین اصل؛ نجات جان بیمار و حفظ تمامیت وجودی وی می‌باشد. هر فرد آسیب دیده که تمام

و یا بخشی از توانایی‌های خود را از دست داده باشد و به ویژه فرد دچار ضایعه نخاعی، همراه با معلولیت جسمی خود، دچار دلهره و اضطراب در رابطه با آینده زندگی خود خواهد شد. به چنین فردی باید کمک کرد تا بر مشکلات ناشی از محدودیت جسمی و حرکتی و ترس از عدم مقبولیت در خانواده و محیط کار فائق آید و احساس بطلت نکند.

مددکار اجتماعی بعنوان یکی از اعضای تیم توانبخشی جهت کنترل دلهره و اضطرابی که در فرد توان‌یاب در اثر تصویر مبهمی که از آینده زندگی در وی ایجاد شده است، از سه طریق وارد عمل می‌شود:

۱- تماس عاجل و مستمر با بیمار.

۲- ارتباط به موقع و مداوم با خانواده بیمار.

۳- تلاش در جهت همراه کردن جامعه و بیدار کردن وجدان و حس مسئولیت اجتماعی و تأمین منابع برای رفع نیازمندیهای بیمار و خانواده‌اش.

همه‌انگهی و ارتباط صحیح و اعتماد بین اعضای تیم توانبخشی موجب بالارفتن میزان کارایی هر یک از اعضا و یا همه افراد تیم توانبخشی در جهت تأمین منافع بیمار و خانواده وی می‌باشد.

رابطه مددکار اجتماعی و توان‌یاب:

دانش مددکاری و تجربه نزدیک به یک دهه کار با جانبازان آسیب دیده نخاعی در مراکز توانبخشی به ما آموخته است که مددکار اجتماعی باید بتواند شخص آسیب دیده را از احساس تنهایی و ملال ناشی از ضایعه برهاند و اگر به موقع و سریع در این مورد اقدام نشود، وضعیت بیمار سخت‌تر شده و ممکن است سیر تلاشهایی را که در راه توانبخشی و درمان وی بعمل می‌آید و بسیار حیاتی نیز هست تغییر دهد.

مددکار اجتماعی باید با کمک سایر اعضای تیم توانبخشی بیمار را در جهت‌یابی صحیح و راهنمایی مثبت نسبت به درمان، قادرسازی، باز توانی و زندگی اجتماعی رهنمون باشد و به بیمار کمک کند تا در مبارزهای سودمند بر علیه عارضه‌های جایگیر شونده شرکت نماید. طرحهای مبنی بر ترخیص باید از لحظه پذیرش در مرکز درمان آغاز شود و بدین ترتیب هدف نهایی بیمار با هدف نهایی تیم توانبخشی یکی خواهد شد.

معمولاً در یک مرکز درمانی دید کلی همان درمان و مراقبت کیفی پزشکی است. یک مددکار اجتماعی آموزش دیده و کارآزموده می‌تواند این دید را به یک نگرش جامع از مفهوم کلی و هدفدار توانبخشی تبدیل نماید. بیماری که با نوعی ضایعه نخاعی در مرکز درمانی پذیرش می‌شود دارای سه مرحله عمده زندگی است:

۱- زندگی پیش از ضایعه.

۲- زندگی در طول مدت درمان و توانبخشی.

۳- زندگی توأم با آسیب نخاعی پس از ترک مرکز درمان.

هدف تیم توانبخشی و بویژه مددکار اجتماعی از بین بردن هر گونه شکاف و فاصله غیر منطقی بین این سه مرحله از زندگی است. ارزیابی دقیق از وضعیت بیمار به درک و شناخت وی در طول این مسیر کمک می‌کند.

مددکار اجتماعی در عین حال می‌تواند به بیمار کمک کند تا بر مشکلات و دلوایی‌های کوچک که عدم رسیدگی به آنها موجب بروز مشکلات و دلهره‌های بس بزرگتر خواهد شد، فائق آید و بدین ترتیب تصویر روشنی نسبت به خود و آینده‌اش بدست آورد. حل موفقیت آمیز مشکلات شخصی و اجتماعی احساس خود کفائی و موفقیت به وی می‌بخشد. برای فرد آسیب دیده نخاعی (اعم از مجروح جنگی و یا ناشی از حوادث مختلف) که در یک مرکز درمان توانبخشی پذیرفته

می‌شود بسیار مهم است که مددکار اجتماعی در اولین فرصت دست یاری بسوی او دراز کرده و یا وی ارتباط عاطفی برقرار نموده و مسیر درمان و توانبخشی را ساده نماید. تماسهای هدفدار در جهت یک رابطه مثبت و سازنده به بیمار کمک می‌کند تا نگرشش نسبت به خود و دنیای پیرامونش را سازمان دهد و احتمالاً از محدود کردن خود به یک زندگی بسته و عدم تفاهم در روابط متقابل اجتماعی اجتناب نماید. یک مددکار اجتماعی ورزیده باید با استفاده از تکنیکهای خاص، فرصت عقب‌نشینی و به لاک خود رفتن را به فرد آسیب دیده نخاعی ندهد. چرا که بیرون آوردن وی از این حصار بسیار مشکل و گاه امری تقریباً محال است.

در یک مرکز درمان و توانبخشی ویژه بیماران آسیب دیده نخاعی، نیاز به مهارت‌ها و روشهای مددکاری اجتماعی بیش از سایر موارد محسوس است.

یکی از خدمات پر ارزش در مراکزی که اقامت بیمار در آنها ناچاراً طولانی است کار با گروه (GROUP WORK) و یا مددکاری گروهی است که هدف آن، امر بسیار مهم و حیاتی ایجاد ارتباط متقابل و مثبت بین توان‌یابان است. کار گروهی به ایجاد توانایی فردی و اجتماعی بیماران کمک می‌کند و ارتباطات بین بیمار و کادر مرکز را بهبود می‌بخشد. توان‌یابان از طریق فرایند کار گروهی به ارزیابی مجدد اهداف زندگی خویش و تغییر و اصلاح آنها با کمک اعضای گروه ترغیب می‌شوند. بخش دیگری از مسئولیتهای مددکار اجتماعی در زمینه توانبخشی بیماران آسیب دیده نخاعی، تماس سریع و مستمر با خانواده فرد می‌باشد بدون داشتن برخی اطلاعات درباره خانواده و نزدیکان فرد نمی‌توان وی را شناخت؛ غالباً تلاش پرسنل توانبخشی روی شخص بیمار متمرکز می‌گردد و معمولاً از خانواده که می‌تواند نقشی اساسی در نتایج تلاشهای توانبخشی ایفا نماید بسیار سطحی گذشته میشود.

در حالیکه بروز یک آسیب آنهم از نوع نخاعی تغییرات کلی در روابط بین افراد و همچنین شرایط خانوادگی ایجاد می‌نماید. فرد توان‌یاب دارای نیازهای مادی، معنوی و عاطفی مختلفی است که خانواده وی نیز این نیازها را کم و بیش حس می‌کند.

اینجاست که نقش یک مددکار ورزیده بارز می‌شود. او با استفاده از مزایای حرفه‌ای به رفع نیازها و حمایت مستمر از عواطف و احساسات فرد و خانواده‌اش در بهبود روابط و از بین بردن آثار سوء ناشی از بروز معلولیت می‌کوشد و کمک می‌کند که هم بیمار و هم افراد خانواده‌اش به درک واقعیتی که با آن مواجه شده‌اند، نایل آیند.

پس به وضوح نیاز مبرم به خدمات مددکار اجتماعی در رفع تضادها و شبهه‌های بین بیمار و خانواده‌اش احساس می‌شود و تنها با کمک مددکار اجتماعی است که می‌شود با عواقب این ضایعه و عدم تعادل اجتماعی، اقتصادی ناشی از آن برخورد کرد و فرصتی برای جبران آن ضایعات بدست آورد.

ایجاد ارتباط با جامعه:

سومین و آخرین مرحله از نقش مددکار اجتماعی در مسیر فعالیتهای تیم توانبخشی ایجاد ارتباط گسترده و هدفدار با جامعه است. گرچه این مرحله نیز در عمل اغلب با دو مرحله پیشین صورت می‌گیرد.

بسیار مهم است که بتوان همزمان با آمادگی روحی بیمار برای ترخیص از مرکز توانبخشی، موانع پذیرش وی را در خانواده و جامعه نیز از میان برد و بین توان‌یاب و اطرافیانش ارتباط اصولی برقرار نمود. از اینروست که نقش مددکار اجتماعی در توانبخشی نه تنها مشارکت در برنامه ریزی برای ترخیص فرد از مرکز است بلکه توجه اصلی باید روی تدارک خدمات از لحظه پذیرش بیمار و تداوم آن در طول مدت

اقامت و پیگیری بعد از ترخیص متمرکز شود. بنابراین مددکار اجتماعی باید بتواند بعنوان اولین قدم پس از ترخیص، فضای راحت و قابل قبولی در منزل برای فرد آسیب دیده نخاعی فراهم آورد. تا هم باری از روی دوش مراکز توانبخشی که ظرفیت محدود دارند برداشته شود و هم خود توان‌یاب با رها شدن از محیط درمانی به آغوش خانواده و جامعه باز گردد.

در این خصوص می‌توان میزان تجربه تیم توانبخشی و به ویژه مددکاران اجتماعی را در امر ترخیص در مراکز توانبخشی جانبازان آسیب دیده نخاعی مثال زد.

یک مددکار اجتماعی ورزیده باید با استفاده

از تکنیکهای خاص، فرصت عقب‌نشینی و به لاک خود رفتن را به فرد آسیب دیده نخاعی

ندهد. چرا که بیرون آوردن وی از این حصار

بسیار مشکل و گاه امری تقریباً محال است.

در یک مرکز درمان و توانبخشی ویژه بیماران

آسیب دیده نخاعی، نیاز به مهارت‌ها و

روشهای مددکاری اجتماعی بیش از سایر

موارد محسوس است

جانبازانی که سالهای مدید در این مرکز بستری بودند و ارتباط بسیار محدودی با جامعه و حتی خانواده خود داشتند، پس از اعلام طرح ترخیص با تلاش تیم توانبخشی و مددکاران اجتماعی آسایشگاهها، بررسی و تحلیل موضوع فوق بطور عمقی آغاز و پس از نشان دادن واقعیت امر و همچنین جوانب مثبت ترخیص و چشم انداز روشن قرار گرفتن در محیطهای اجتماعی اعم از آموزشی، اداری و خانوادگی، این طرح با استقبال بسیار زیاد جانبازان مواجه گردید. که اکنون پس از گذشت کمتر از پنج سال تعداد بسیار محدودی در این مراکز باقی مانده‌اند؛ که این تعداد قلیل نیز با ضایعات فیزیکی بسیار بالایی داشته و یا به هر دلیل دیگری امکان ترخیص و نگهداری آنان در خانواده فراهم نبوده است و غالب کسانی که ترخیص شده‌اند از زندگی موفق و پربراری برخوردار می‌باشند و از اینکه وارد فعالیتهای اجتماعی شده‌اند راضی به نظر می‌رسند. مددکاران اجتماعی مراکز توانبخشی پس از ترخیص جانبازان آسیب دیده نخاعی پیگیر امور آنها بوده و تلاش نموده‌اند تا با کمک خودشان بتوانند هرچه سریعتر برای زندگی خارج از محیط مرکز توانبخشی برنامه ریزی نمایند و یک رابطه درازمدت حمایتی و بسیار حیاتی بین جانباز و خانواده‌اش و جامعه ایجاد نمایند. پیگیری امور مربوط به معلولین و خانواده آنها در جامعه بخش مهمی از مسئولیتهای مددکار اجتماعی است. البته هدف این نیست که مددکار خود را قیم بیمار و خانواده‌اش تلقی کند و هرگز وی را به حال خودش رها نسازد، بلکه ایجاد رابطه حمایتی وی با فرد در موقع لزوم می‌باشد. مددکار اجتماعی باید بداند که آیا مددجوی او یک زندگی کامل و ثمر بخش را دنبال میکند و آیا در سطحی قرار دارد که بتواند از بالاترین توانایی و قابلیت خود استفاده نماید؟ و بطور کلی از نظر اجتماعی، اقتصادی و روانی زندگی وی چگونه است و چه نگرشی نسبت به خود دارد. آری مددکار اجتماعی باید بداند که فرد آسیب دیده نخاعی به چه چیزهایی احتیاج دارد که این نیازها هر چند کوچک گاهاً برای وی حیاتی و کارساز می‌باشد.



استفن ویلیام هاوکینگ

استفن هاوکینگ در سال ۱۹۴۲ در سیدمین سالمرگ گالیله به دنیا آمد و اکنون شاید بزرگ ترین مغز متفکر فیزیک بعد از انیشتین محسوب شود.

هاوکینگ در جوانی به بیماری ALS دچار شد، ALS یک بیماری عصبی عضلانی است که به طور تصادفی قدرت کنترل ماهیچه‌ها را کم می‌کند. در ۲۱ سالگی، پزشکان مرگ زود هنگامی را برای استفن پیش بینی کردند!

او اکنون ۵۹ ساله است و ۲ فرزند دارد. با ویلچرش حرکت می‌کند و حتی به مسافرت‌های دور دنیا می‌رود. بعد از عملی که در ۴۲ سالگی برای مساعد کردن تنفس انجام شد، تارهای صوتی او کاملاً از کار افتاد و از آن هنگام مجبور شد به کمک کامپیوتر صحبت کند، او کلمات را از فهرست یک نرم افزار انتخاب می‌کند و کامپیوتر به جایش صحبت می‌کند، جالب اینکه موضوعی که باعث نارضایتی او از این وضع شده، لهجه آمریکایی کامپیوتر است!

هاوکینگ در خانواده‌ای تحصیگرده بزرگ شده و از بچگی به ریاضیات علاقه مند بوده، حتی در ۱۶ سالگی با دوستانش کامپیوتری ابتدایی ساختند که البته کار هم میکرد.

بعد از دیپلم برنده بورس تحصیلی برای تحصیل در دانشگاه آکسفورد شد. در سال ۱۹۶۲ از آنجا با افتخار مدرک گرفت و به دانشگاه کمبریج رفت تا دکترایش را در رشته کیهانشناسی بگیرد. در این هنگام بود که برای نخستین بار شیفته نظریاتی همچون غرابت زمان - فضا و سیاهچاله‌ها شد. پس از دکترای، در کمبریج ماند و از همان زمان به خاطر نظریاتش در فیزیک شناخته شد.

در سال ۱۹۶۸ به موسسه نجوم کمبریج پیوست و روی نظریه سیاهچاله‌ها کار کرد سپس در ۳۲ سالگی به عضویت انجمن سلطنتی درآمد که از جوانترین اعضای آن بود و برنده جایزه آلبرت اینشتین شد، جایزه‌ای که از مهمترین افتخارات تئوریسین‌های فیزیک دنیا است.

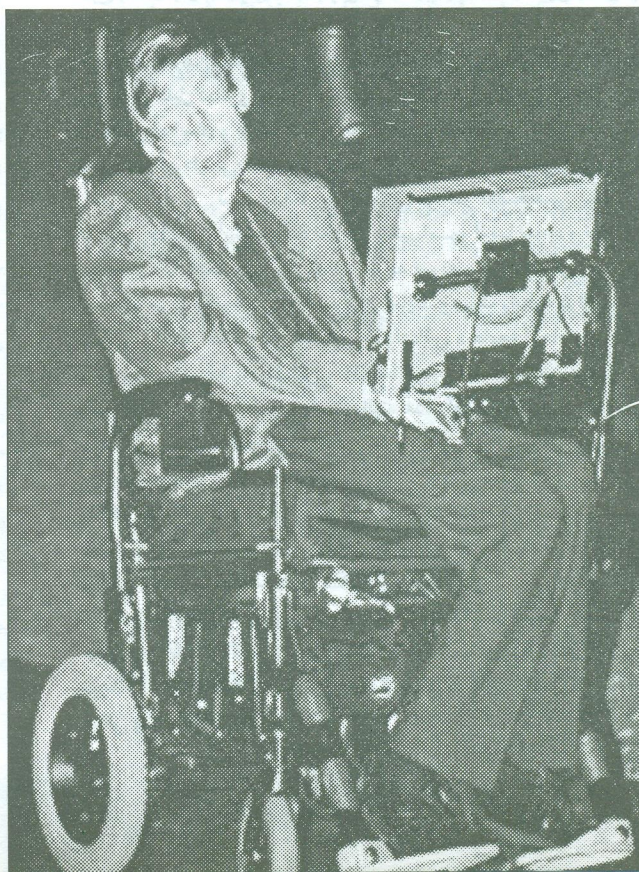
هاوکینگ از ۱۹۷۲ به مقام پروفیسوری ریاضیات دانشگاه کمبریج رسید عنوانی که ۳۰۰ سال قبل به ایزاک نیوتن تعلق داشت. او در زمینه نویسندگی هم موفق است. کتاب معروف تاریخچه زمان از انفجار بزرگ تا سیاهچاله‌ها که تا مدت‌ها در ردیف پرفروش‌ترین کتابها بود، به ۳۳ زبان ترجمه شده و تاکنون ۹ میلیون نسخه‌اش به فروش رفته است.

در جایی، از او پرسیدند احساسش راجع به اینکه او هوشمندترین مرد دنیا معرفی شود، چیست؟

جواب داد: خیلی هول کننده است! چرند! آنها فقط یک قهرمان می‌خواهند و من باید نقش یک نابغه توان یاب را بازی کنم. البته من توان یاب هستم، ولی نابغه نیستم!

stephen william hawking

نگار مرتضوی



سیر ایجاد انگیزه کار در توان یابان

مجتمع رعد از دید یک دانشجوی علوم اجتماعی

محقق: فرنوش قهرمان، دانشگاه الزهرا

برای تدوین پایان نامه دوره کارشناسی خود با راهنمایی استاد گرامیس خانم دکتر گیوه چیان مجتمع رعد را انتخاب نمودم. علت انتخاب چنین مؤسسه‌ای علاقه شخصی می‌باشد و بر این باورم که معلولین سرمایه‌های انسانی فراموش شده جامعه بوده که اگر به آنها توجه بیشتری شود مسلماً به نفع جامعه خواهد بود.

اکثریت جامعه به معلولین با ترحم و حقارت‌آمیز می‌نگرند و این به دلیل عدم شناخت جامعه از تواناییهای بالقوه معلولین است. تا زمانی که چندان دور عقیده عامه بر این بود که معلول و معلولیتش پنهان نگاه داشته شود و معلولین بخصوص کودکان و نوجوانان دچار معلولیت، محکوم به زیستن در خلوت خانه‌ها و جدایی از جامعه و در نتیجه محروم ماندن از بسیاری از امکانات اجتماعی از جمله آموزش و پرورش بودند تا جایی که دولتمردان نیز آنها را نادیده گرفته و معلولیت تنها مشکل خانوادگی به حساب می‌آمد و به عنوان یک پدیده اجتماعی در نظر گرفته نمی‌شد.

خاموش شدن توهپهادر فردای جنگ جهانی دوم، دولت‌ها را با گروه عظیمی از معلولین جنگ مواجه کرد، گروهی که پیش از این در جریان روزمره زندگی شرکت فعال داشتند لکن اکنون دیگر قادر به ایفای نقش فعال به گونه قبل از جنگ نبودند. اجتماعی شدن مسئله معلولیت

سبب شد تا معلولیت‌های عادی نیز در جامعه مطرح و بررسی آن در دستور کار جوامع مختلف قرار گیرد. البته زمانی کافی برای جلب نگرش مثبت جامعه به معلول و معلولیتش و قبول شرکت او در همه فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی چون دیگر افراد جامعه لازم بود.

از طرف دیگر جامعه باید این واقعیت را می‌پذیرفت که معلول نیز از حقوق فردی و اجتماعی و اقتصادی برابر با دیگر افراد جامعه برخوردار بوده و نیازی به ترحم و دلسوزی از جانب دیگران ندارد بلکه تنها حمایت سازمانها و ارگانهای مختلف می‌تواند موجب استقلال شخصی و در نتیجه اجتماعی و اقتصادی این عزیزان شده و آنان را قادر به اداره زندگی فردی و اجتماعی خویش نماید و در ضمن باعث افزایش تولید ملی گردد. این قشر از جامعه برای رسیدن به استقلال شخصی، اجتماعی و اقتصادی نیاز به شرایط و امکانات ویژه و آموزش‌های خاصی دارند. شرایط و امکانات خاصی که از نظر ارگونومی (Ergonomy) مناسب حال این عزیزان باشد. در این ارتباط مراکز و آموزشگاههای ویژه‌ای وجود دارد که تعدادشان بسیار اندک است و با توجه به اینکه دولت که باید نقش بسیار فعالتری در این زمینه داشته باشد نیز نمی‌تواند پاسخگوی همه نیازهای این قشر باشد، لزوم خودیاری و کمکهای مردمی بیش از هر چیز احساس می‌گردد. این خودیاری و همیاری می‌تواند مزایای بسیاری داشته باشد از جمله:

۱- نگرش جامعه نسبت به معلولین به عنوان قشر ناتوان تغییر می‌یابد.

۲- این باور در معلولین ایجاد می‌گردد که خود را عضو مؤثر در جامعه ببینند و در اجتماع حضور فیزیکی و در عین حال فعال داشته باشند.

۳- خانواده‌های معلولین نیز همه بار مشکلات را بر دوش خود احساس نکنند.

۴- با بکارگیری نیروهای بالقوه و استعدادهای این قشر از جامعه گامی بلند در راستای سازندگی و بهیود اقتصادی کشور برداشته خواهد شد. با توجه به آن چه ذکر شد مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد به عنوان میدان مطالعاتی و تحقیقاتی خویش انتخاب نمودم و با توجه به خصوصیات این مرکز بر آن شدم که آنرا به عنوان یک الگو معرفی نمایم.

محور اصلی این تحقیق «سیر ایجاد انگیزه کار در توان یابان اجتماع» می‌باشد به لحاظ امکاناتی که در این زمینه مجتمع رعد در اختیار توان یابان قرار میدهد و به دلایل ذیل مجتمع رعد میدان مطالعه قرار گرفته است:

۱- به لحاظ روحی و روانی اکثر توان یابان ترجیح میدهند که کمتر در اجتماع ظاهر شوند و غالباً خانواده‌ها نیز به این امر دامن می‌زنند لذا کارآموز مجتمع رعد در اولین قدم که همانا مراجعه به مجتمع و ثبت‌نام می‌باشد نوعاً کاری انجام داده است.

۲- پذیرش رفتن به مجتمع پس از ثبت‌نام و بررسی محیط نیز انجام کاری است.

۳- پذیرفتن مقررات محیط آموزشی مجتمع، تکمیل فرم ثبت‌نام طی مراحل آن، و رعایت مسائل اخلاقی نیازمند شکل‌گیری یک رفتار سازمانی در ذهن کارآموز می‌باشد که خود نوعی دیگر از کار محسوب میشود.

۴- حضور در کلاس و رعایت اصول و مقررات مربوط نیز مرحله‌ای از کار است.

۵- طی مراحل آموزشی و توانبخشی در مجتمع و بدنبال آن یافتن شغل مناسب و متناسب با وضعیت جسمانی و دوره آموزشی مربوط که هدف نهایی مسئولین مجتمع است نقطه عطف کار بوده چرا که از دید مسئولین رعد فرد معلول توان یاب است نه معلول! و در پی توان یابی به

استقلال خواهد رسید و پس از این استقلال او نه تنها سرریار و گوشه نشین محسوب نمیشود بلکه به عنصری فعال و مفید در جامعه تبدیل شده است.

پس از توضیح دلایل انتخاب مجتمعه رعد برای بررسی موضوع تحقیق، اجمالاً به بررسی فصول مختلف پایان نامه خویش می‌پردازم.

خاموش شدن توپ‌ها در فردای جنگ جهانی دوم، دولت‌ها را با گروه عظیمی از معلولین جنگ مواجه کرد، گروهی که پیش از این در جریان روزمره زندگی شرکت فعال داشتند لکن اکنون دیگر قادر به ایفای نقش فعال به گونه قبل از جنگ نبودند. اجتماعی شدن مسئله معلولیت سبب شد تا معلولیت‌های عادی نیز در جامعه مطرح و بررسی آن در دستور کار جوامع مختلف قرار گیرد.

فصل ۱- در این فصل پایان‌نامه از دیدگاه علمای روانشناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، فلسفه و مدیریت که شامل: انگیزش، کار، شغل، وظیفه، پست، شرایط احراز شغل، اختلال ناتوانی، معلولیت، معلولیت جسمی-حرکتی، عقب‌ماندگی، معلول جسمی، سیستم، انواع سیستم، بینش سیستمی، سیستم‌سازی، سازمان‌رسمی و غیررسمی، سازگاری اجتماعی می‌باشد، تعریف شده است.

فصل ۲- آمار و معلولیت: از جمله مهمترین بخش‌های یک کار تخصصی ارائه کار و نتایج آن بصورت آماری است در این تحقیق به علت محدودیت‌های عملی تنها آمار معلولیت در استان تهران بررسی شده است، به این دلیل که تهران به عنوان یک شهر بزرگ و داشتن مرکزیت میتواند نمونه گویائی باشد و نیز می‌توان نتایج حاصله از آن را به همه ایران تعمیم داد. آمار مورد استفاده نیز مربوط به سرشماری عمومی و نفوس و مسکن ۱۳۶۵ است که به ترتیب عناوین جداول مورد استفاده ذکر خواهد شد:

جدول شماره ۵: توزیع نسبی معلولیتها برحسب موارد معلولیت و جنس معلول.

نقاط روستایی	نقاط شهری	جمع			
		زن	مرد	مرد و زن	
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع ارثی و مادرزادی
۱۹/۹	۱۸/۷	۲۲/۷	۱۶/۸	۱۸/۹	بیماری
۳۹/۸	۳۹/۵	۴۹/۴	۳۴/۰	۳۹/۶	حادثه
۳۰/۲	۳۴/۲	۱۸/۰	۴۲/۳	۳۳/۶	نامشخص و اظهار نشده
۱۰/۲	۷/۶	۹/۹	۶/۹	۷/۹	

مأخذ: سرشماری عمومی و نفوس مسکن کشور ۱۳۶۵، مرکز آمار ایران

جدول ۱- توزیع فراوانی معلولین در هر یکصد هزار نفر جمعیت در برخی کشورها

نام کشور	سال سرشماری	جمع درصد هزار مرد و زن	درصد هزار نفر مرد	درصد هزار نفر زن
ایران	۱۳۶۵ (۱۹۸۶)	۹۳۵	۱۱۷۳	۶۸۵
	۱۳۵۵ (۱۹۷۶)	۸۹۳	۹۴۳	۸۳۹
سوریه	۱۹۷۰	۱۰۳۵	۱۲۸۰	۷۷۸
	۱۹۶۰	۹۷۶	۱۱۰۳	۸۳۷
مصر	۱۹۷۶	۳۰۴	۴۴۵	۱۵۸
	۱۹۶۰	۹۸۶	۱۰۹۵	۸۷۶
لبنان	۱۹۷۰	۱۴۱۸	۱۶۳۱	۱۱۶۱

مأخذ: نتایج سرشماری ۱۳۶۵، مرکز آمار ایران

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی معلولین در هر یکصد هزار نفر جمعیت در برخی از کشورها. جدول شماره ۲: توزیع فراوانی معلولین در هر یکصد هزار نفر جمعیت برحسب جنس و سن و به تفکیک سکونت در نقاط شهری و روستائی. جدول شماره ۳: جمعیت معلولین برحسب جنس و سن و به تفکیک سکونت در نقاط شهری و روستائی. جدول شماره ۴: توزیع نسبی معلولیتها برحسب موارد معلولیت و جنس معلولیت در نقاط شهری و روستائی. جدول شماره ۵: توزیع نسبی معلولیتها برحسب موارد معلولیت و جنسیت معلولین. جدول شماره ۶: جمعیت معلولین برحسب سن و جنس. جدول شماره ۷: نسبت باسواد معلولین ۶ ساله و بیشتر برحسب گروههای سنی و جنسی.

جدول شماره ۸: درصد معلولین ۲۴-۶ ساله در حال تحصیل استان تهران برحسب گروههای عمده سنی به تفکیک جنس. جدول شماره ۹: توزیع نسبت معلولین ۶ ساله و بیشتر برحسب وضع فعالیت به تفکیک جنس. جدول شماره ۱۰: توزیع نسبی جمعیت معلولین ۶ ساله و بیشتر شاغل برحسب وضع شغلی و جنسیت. در تمام جداول فوق بعد از ذکر ارقام به بررسی کمی و کیفی پرداخته شده است جداول شماره ۵ و ۱۰ به عنوان نمونه در همین صفحه قید می‌گردد.

فصل ۳- اشتغال معلولین: در این فصل پس از برشمردن عواملی که سبب گرایش انسان به کار و کار کردن می‌باشد، به بررسی قوانین و مقررات سازمان ملل مبنی بر برابری فرصتها پرداخته و پس از ذکر آنها قانون کار ایران و قوانین مربوط به کار و آموزش معلولین و حمایت از افراد از کار افتاده (معلولیت ناشی از حادثه ضمن انجام کار) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل ۴- مناسب سازی فضای شهری برای معلولین: در این فصل به بررسی یکی از مهمترین مشکلات معلولین که مانع حضور فعال بسیاری از آنان در اجتماع است، پرداخته می‌شود.

چنانچه فضای فیزیکی شهر و مهندسی معماری آن به گونه‌ای باشد که تسهیلات لازم برای رفت و آمد معلولین فراهم آید، در شرکت فعال این عزیزان در فعالیتهای اجتماعی مؤثر خواهد بود

در مناسب‌سازی محیط چنانچه توقع داشته باشیم تمام فضای شهر را در برگیرد شاید امری محال بنظر آید لکن حداقل می‌توان اماکن عمومی نظیر مساجد، کتابخانه‌ها، سینماها، سالنهای تئاتر و... و همچنین مراکز آموزش و پرورش و آموزش عالی را به گونه طراحی و ساخت که معلولین برای استفاده از آنها دچار مشکل نبوده و احساس ضعف و ناتوانی نسبت به دیگران را در ارتباط با استفاده از این اماکن در ایشان از بین برد.

در این فصل ۲۵ مورد از موانع آمده است که در ذیل چند نمونه از آنها ذکر می‌گردد.

- ۱- مشکلات جهت‌یابی ۲- وقفه به هنگام عبور از گذرگاهها ۳- اختلاف سطح ۴- سطح ناهموار ۵- موانع و چاله‌ها ۶- بیش آمدگی اجزای بنا ۷- مشخص نبودن ورودی و...
- فصل ۵- مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد: در این فصل و فصل ۶- که مهمترین بخش این مطالعه و تحقیق می‌باشد به توصیف مجتمع رعد و فعالیت‌های آن پرداخته تا بدینوسیله شناختی اجمالی به خواننده داده شود.

آنچه در این فصل حائز اهمیت است جدولی است که چگونگی آشنائی کارآموزان با مجتمع رعد را بیان می‌دارد این جدول به شرح ذیل می‌باشد:

جدول الف- توزیع فراوانی آشنائی کارآموزان با مجتمع نیکوکاری رعد

فراوانی مطلق fci	فراوانی fi	طریقه آشنائی کارآموزان با مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد
۱۲	۱۲	تلویزیون
۱۸	۶	بنیاد جانبازان
۷۲	۵۴	دوستان و آشنایان
۸۷	۱۳	پرسنل رعد
۱۰۹	۲۲	بهبزستی
۱۳۲	۲۳	جامعه معلولین
۱۴۴	۱۲	نمایشگاه بین‌المللی
۱۴۷	۳	همسایگان مجتمع رعد
۱۵۶	۹	کارآموزان
۱۶۳	۷	مجله و روزنامه
۱۷۶	۱۳	کارت رعد
۱۹۰	۱۴	کانون ناشنوایان
۱۹۸	۸	انجمن تالاسمی ایران
۲۰۸	۱۰	پوستر رعد
۲۱۲	۱	مدرسه نیمروز
۲۱۳	۱	مجتمع کودکان و نوجوانان مواج
۲۱۴	۱	هلال احمر
۲۱۵	۱	مجتمع آزادی
۲۱۷	۲	کیلینیک مشاوره
۲۱۸	۱	انجمن خوشنویسان
۲۱۹	۱	دفتر خانم فائزه هاشمی
۲۲۲	۳	بیمارستان شفا
۲۲۳	۱	بیمارستان نواب صفوی
۲۲۴	۱	بیمارستان طالقانی
۲۴۴	۲۰	ذکر نشده
	۲۴۴	جمع

طی مراحل آموزشی و توانبخشی در مجتمع و بدنبال آن یافتن شغل مناسب و متناسب با وضعیت جسمانی و دوره آموزشی مربوط که هدف نهائی مسئولین مجتمع است نقطه عطف کار بوده چرا که از دید مسئولین رعد فرد معلول توان‌یاب است نه معلول! و درپی توان‌یابی به استقلال خواهد رسید و پس از این استقلال او نه تنها سربار و گوشه نشین محسوب نمیشود بلکه به عنصری فعال و مفید در جامعه تبدیل شده است.

فصل ۶- خصوصیات کارآموزان رعد و توزیع فراوانی آنان از جهات مختلف: در این فصل ابتدا جداول مربوط به توزیع فراوانی کارآموزان از جهات مختلف که حاصل بررسی ۲۴۴ پرونده مربوط به کارآموزان سال ۱۳۷۴ می‌باشند، قید شده و سپس به توصیف و مشاهدات و مصاحبه‌های انجام شده با کارآموزان پرداخته میشود، جداول به شرح ذیل تهیه شده است:

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی گروه‌های سنی کارآموزان ۱۳۷۴ مجتمع رعد

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی سن پسران در سال ۱۳۷۴

جدول شماره ۳- توزیع فراوانی سن دختران در سال ۱۳۷۴

جدول شماره ۴- توزیع فراوانی شغل کارآموزان در سال ۱۳۷۴

جدول شماره ۵- توزیع فراوانی میزان تحصیلات کارآموزان در سال ۱۳۷۴

جدول شماره ۶- توزیع فراوانی نوع معلولیت کارآموزان در سال ۱۳۷۴

جدول شماره ۷- توزیع فراوانی نوع وسیله کمکی که کارآموزان بکار

می‌برند در سال ۱۳۷۴

در تمام جداول فوق‌الذکر به تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. که

تعدادی از جداول به عنوان نمونه می‌آیند:

چگونگی آشنائی با مجتمع رعد

آشنائی من با افراد معلول به چند سال قبل برمی‌گردد یکی از دوستان دانشگاهی من در زلزله سال ۱۳۶۹ قطع نخاع شده بود، اما روحیه قوی او به اکثر دانشجویان قوت قلب و اعتماد به نفس میداد و بدون اغراق می‌توانم بگویم که هیچگاه نتوانستم به او به چشم یک معلول نگاه کنم. او دیدگاه جدیدی در رویارویی با معلولین به من داد و آن این است که ((معلول خود باید ثابت کند که تواناست نه اینکه دیگران به تلقین کنند.))

با مجتمع رعد نیز توسط یکی از کارآموزان آشنا شدم و بعد از ملاقات با مدیر عامل و چند تن از مسئولین مجتمع، مقاله‌ای تهیه کرده و به استاد راهنمایم سرکار خانم دکتر گیوه چیان ارائه نمودم و پس از مطالعه مطلب توسط ایشان قرار شد بعنوان طرح تحقیقی به مطالعه میدانی در مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد بپردازم.

یکی از نشانه‌های مهم پیشرفت مجتمع رعده، پذیرش کارآموزان دختر از سال ۱۳۷۲ می‌باشد به طوری که در ارزیابی سال ۱۳۷۴ نسبت جنسی در مجتمع ۸۰/۷۴ درصد می‌باشد یعنی در مقابل هر صد دختر ۸۰/۷۴ پسر به این مجتمع مراجعه نموده است.

جالبترین مسئله در ارتباط با مجتمع رعده، توجه همه پرسنل و حتی کارآموزان به توانایی افراد است. در مجتمع رعده کسی ناتوان محسوب نمی‌شود و معلول در نظر نمی‌آید، و هر کس موظف است امور مربوط به خودش را خود انجام دهد اگر کسی عصایش افتاد شخص دیگری خم نمی‌شود که عصایش را به او بدهد و بدین ترتیب اتکاء به دیگران در مجتمع رعده معنی ندارد.

در پایان لازم به ذکر است که مجتمع رعده را نمی‌توان در حد یک مقاله و یک پایان‌نامه دانشجویی توصیف نمود. به هر حال بر خود واجب می‌بینم از همه پرسنل و مسئولین و کارآموزان رعده به خاطر حسن نیت و همکاری صمیمانه‌ای که در تهیه گزارش داشته‌اند تشکر و سپاسگزاری نمایم.

فهرست منابع مورد استفاده:

- ۱- سازمان ملل متحد، ۱۳۷۳ دقت در طراحی (راهنمای مناسب‌سازی بناها و فضای شهری برای معلولین). ترجمه: مهدی بابایی احری. نشر: سازمان فنی و مهندسی شهری تهران. چاپ اول: پائیز سال ۱۳۷۳.
- ۲- قائم، گیسو، ۱۳۷۰. ساختمانهای آموزشی و معلولین. نشر: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن. چاپ اول: ۱۳۷۱
- ۳- مرکز آمار ایران، ۱۳۶۶. جنبه‌های آماری معلولینها. مرکز آمار ایران. تیرماه ۱۳۶۶.
- ۴- مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱. نتایج تفصیلی معلولیت (استان تهران). مرکز آمار ایران. آبان‌ماه ۱۳۷۱

پس از طی مراحل اداری و موافقت مسئولین رعده کار بطور جدی آغاز شد. روش تحقیق در این مطالعه، مشاهده همراه با مشارکت بود که کاری بس مشکل است برای این منظور زمانی در حدود یکماه پیش بینی کرده بودم لکن با کمک و مساعدت پرسنل متعهد رعده و علاقه ایشان به این تحقیق بعد از دو هفته چند دوست پیدا کردم و این تعداد با هربار مراجعه افزایش می‌یافت.

از جمله مسائل قابل توجه این بود که در برخورد با کارآموزان هیچگاه احساس نکردم که آنها معلول هستند و همین امر باعث شد که با تعداد بیشتری از کارآموزان دوست شده و ارتباط برقرار کنم.

در برسیهای اولیه در یافتیم تعدادی از کارآموزان نیازهای شدید عاطفی داشته و این امر باعث حساس شدن آنها نسبت به مسائل می‌شود البته در این رابطه خانواده‌ها نیز بی‌تقصیر نیستند، چرا که این وظیفه خانواده است که به این افراد اعتماد به نفس داده و حس ناتوانی را از آنها بگیرند.

از طرفی کارآموزانی هم هستند که با معلولیت خود کنار آمده و آن را قبول کرده‌اند و کمترین امر مانع رسیدن آنها به اهداف خود می‌شود، البته این تعداد نیز کم و بیش مسائل روحی و عاطفی دارند اما نه به حدی که در زندگی عادی آنان تأثیر منفی داشته باشد.

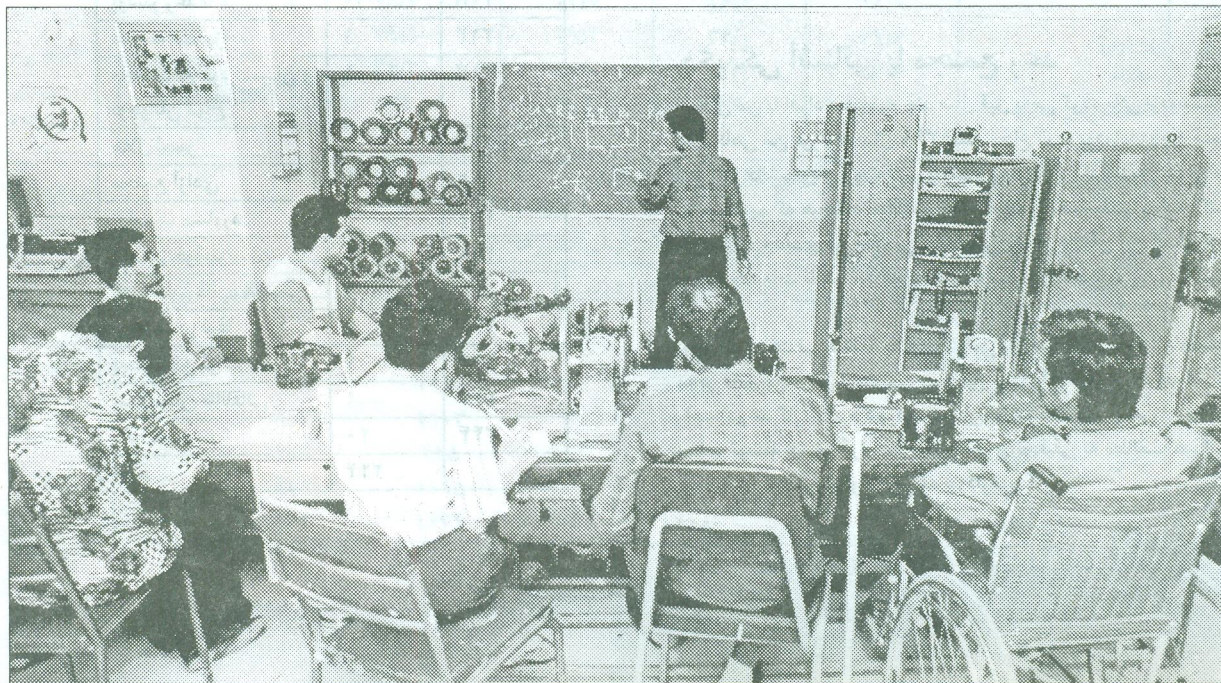
می‌توان گفت که دخترها در این ارتباط حساستر از پسرها بوده و اصولاً مشکل خود را بزرگتر از آنچه هست می‌پندارند پسرها کمتر به معلولیت خود فکر می‌کنند.

در این رابطه نقش مجتمع رعده از نظر من بسیار اعجاب انگیز است اکثریت معلولین پس از ورود به مجتمع کمتر به معلولیت خویش فکر می‌کنند یا لاقلاً می‌توان گفت که در زمان حضور در مجتمع تقریباً آن به خویشتن در خارج از مجتمع نیز مؤثر است.

جالبترین مسئله در ارتباط با مجتمع رعده، توجه همه پرسنل و حتی کارآموزان به توانایی افراد است.

در مجتمع رعده کسی ناتوان محسوب نمی‌شود و معلول در نظر نمی‌آید، و هر کس موظف است امور مربوط به خودش را خود انجام دهد اگر کسی عصایش افتاد شخص دیگری خم نمی‌شود که عصایش را به او بدهد و بدین ترتیب اتکاء به دیگران در مجتمع رعده معنی ندارد.

البته مجتمع رعده بی‌نقص نیست لکن باید توجه داشت که مجتمع وابسته به هیچ یک از ارگانها و سازمانهای دولتی نبوده و توانسته است بدون کمترین کمک دولتی و رسمی پایه‌های خود را مستحکم نماید و هر سال بیش از پیش آغوشش را برای پذیرش کارآموزان جدید باز نماید



جدول ۱- توزیع فراوانی گروه‌های سنی سال ۱۳۷۴ مجتمع رعد

فراوانی مطلق fci	فراوانی fi	سن کارآموزان
۲۰	۲۰	سال ۱۴-۱۹
۱۵۹	۱۳۹	سال ۲۰-۲۵
۲۱۲	۵۳	سال ۲۶-۳۱
۲۳۷	۲۵	سال ۳۲-۳۷
۲۴۳	۲۶	سال ۳۸-۴۳
۲۴۴	۱	۴۴ سال و بیشتر
	۲۴۴	جمع

جدول ۲- توزیع فراوانی گروه‌های سنی پسران در سال ۱۳۷۴

فراوانی مطلق fci	فراوانی fi	سن کارآموزان پسر
۹	۹	سال ۱۴-۱۹
۶۵	۵۶	سال ۲۰-۲۵
۹۵	۳۰	سال ۲۶-۳۱
۱۰۶	۱۱	سال ۳۲-۳۷
۱۰۹	۳	سال ۳۸-۴۳
۱۰۹	۰	۴۴ سال و بیشتر
	۱۰۹	جمع

جدول ۳- توزیع فراوانی گروه سنی دختران در سال ۱۳۷۴

فراوانی مطلق fci	فراوانی fi	سن کارآموزان دختر
۱۱	۱۱	سال ۱۴-۱۹
۹۴	۸۳	سال ۲۰-۲۵
۱۱۷	۲۳	سال ۲۶-۳۱
۱۳۱	۱۴	سال ۳۲-۳۷
۱۳۴	۳	سال ۳۸-۴۳
۱۳۵	۱	۴۴ سال و بیشتر
	۱۳۵	جمع

جدول ۵- توزیع فراوانی میزان تحصیلات کارآموزان در سال ۱۳۷۴

فراوانی مطلق fci	فراوانی fi	میزان تحصیلات
۴	۴	پنجم دبستان و کمتر
۹	۵	اول راهنمایی
۱۹	۱۰	دوم راهنمایی
۳۴	۱۵	سوم راهنمایی
۴۷	۱۳	سیکل
۵۷	۱۰	اول دبیرستان
۶۶	۹	دوم دبیرستان
۷۶	۱۰	سوم دبیرستان
۸۲	۶	چهارم دبیرستان
۸۹	۷	دیپلم ردی
۲۱۴	۱۲۵	دیپلم
۲۱۷	۳	فوق دیپلم
۲۳۰	۱۳	لیسانس
۲۴۲	۱۲	دانشجو
	۲۴۴	فوق لیسانس
	۲۴۴	جمع

جدول ۶- توزیع فراوانی نوع معلولیت کارآموزان در سال ۱۳۷۴

نوع معلولیت	فراوانی fi	فراوانی مطلق fci
عصبی	۲	۲
m.s	۷	۹
فلج اطفال	۷۷	۸۶
فلج بر اثر تزریق پنی سیلین	۵	۹۱
فلج در اثر تب	۱۱	۱۰۲
قطع دست از میج (جانباز)	۱	۱۰۳
نرمی استخوان	۴	۱۰۷
سوختن	۴	۱۱۱
قطع پا در اثر افتادن از ارتفاع	۲	۱۱۳
سستی عضلات	۵	۱۱۸
c.p	۹	۱۲۷
ناشنوا	۴۸	۱۷۵
ناراحتی خونی (تالاسمی، هیپاتیت، هموفیلی)	۱۰	۱۸۵
آرترید روماتوئید	۱	۱۸۶
ویلسون	۱	۱۸۷
بی حسی دست و پا در اثر سکنه	۳	۱۹۰
معلولیت بدو تولد توسط دستگاه فوریس	۱	۹۱
قطع نخاع	۶	۱۹۷
قطع دست و پا در اثر انفجار	۱	۱۹۸
کوتاهی پای چپ	۳	۲۰۱
ناراحتی های پوستی	۱	۲۰۲
ترکش و موج انفجار (جانباز)	۶	۲۰۸
جوش خوردن استخوان کتف	۲	۲۱۰
ناراحتی قلبی	۱	۲۱۱
ذکر نشده	۱۳	۲۲۴
نامشخص	۲۰	۲۴۴
جمع	۲۴۴	

جدول شماره ۷- توزیع فراوانی نوع وسیله کمکی که کارآموزان در سال ۱۳۷۴

نوع وسیله کمکی	فراوانی fi	فراوانی مطلق fci
عصا	۳۰	۳۰
بریس	۲۰	۵۰
عصا و بریس	۱۲	۶۲
ویلچر	۳۰	۹۲
واکر	۳	۹۵
پروتز	۳	۹۸
سمعک	۲۷	۱۲۵
تزریق خون	۸	۱۳۳
ندارد	۱۱۱	۲۴۴

بحثی در:

روانشناسی کار

مرتضی کاظمیان

پرداختن به مسائلی «روانشناسی» که با عنصر پیچیده‌ای به نام انسان در ارتباطی پیچیده و تنگاتنگ است، با توجه به آثار و نتایج آن، فوق‌العاده مهم و قابل تعمق است. آثار روانی ناشی از یکخواختی شغل، شرایط کاری نامطلوب، ناامنی شغلی، استرس، دلشوره و اضطراب، ناخشنودی شغلی، افسردگی، بی‌علاقگی مفرط، پوچی و بی‌په‌ودگی، فسیل شدن، بی‌هویتی و ناآرامی، اختلالات روانی بی‌قراری، عدم تعلق به محیط کار، کارگزاری، احساس میرانی و همه و همه از عناصر آسیب‌شناسی و مقوله‌روانشناسی کار به شما می‌روند. اینکه چه عواملی باعث تعالی کار و همچنین خشنودی شغلی می‌شوند و چه عواملی باعث تضعیف کار و ناخشنودی از کار می‌شوند، مقوله‌هایی حائز اهمیت‌اند. مبحث روانشناسی کار از لحاظ ارتباط بین فردی و هم از حیث فرد و کارآرایی بهره‌وری در شرایط کنونی بسیار حائز اهمیت است. چرا که برخلاف کشورهای که فرایند صنعتی شدن را زودتر طی کرده‌اند، برای جامعه کنونی ما صنعت کشور در مراحل آغازین رشد خود می‌باشد و ساختارهای صنعتی ما بقدر کافی پیچیده نشده که روابط کار پیچیده شود و مجموعه محیط‌های کاری و اجتماعی از فقر فرهنگی رنج می‌برند، مقوله روانشناسی کار به جد مطرح است. یعنی در شرایط حاضر، بررسی روشی که موجب حداکثر بازدهی و خشنودی شغلی و افزایش بهره‌وری گردد، ضروری است. به عبارت دیگر توجه به مساله خصوصیات روانی نیروی کار، محیط کار و همچنین بهداشت روانی مهمترین مقوله‌هایی بشمار می‌روند که فضا و محیط کار را شکل می‌دهند و در مطلوب سازی آن موثرند محیط کار، یک فضای مصنوعی و صنعتی و ابزاری صرف نیست. به لحاظ حضور مقوله‌ای به نام انسان و مشارکت عملی او در پروسه کار، خصوصاً به خاطر اهمیت محوری او، نمی‌توان به برخوردهای شینی و بدون روح دست یازید. فضای کار واجد تاثیر و تعامل

انسان و ابزار یا انسان و محیط کار است. مساله مهم بهداشت روانی است، توجه به فرد با در نظر گرفتن تمام ویژگیهای فردی، قابلیت‌ها توانمندیها، علایق، نیازها و خصوصیات شخصی او و سعی و تلاش در جهت درک و هضم آنها و کوشش در حل مشکلات فضای کار با توجه به این ویژگیها بهداشت روانی از سوی دیگر با مهندسی شرایط کار یا ارگونومی (شناخت شرایط کار و تطبیق آن با انجام کار توسط انسان) مرتبط است این جنبه خود واجد دو دامنه کلی است: نخست بعد فیزیکی محیط کار (بوی، سرو صدا نور، هوا، فضا و امکانات، خستگی جسمانی و ...) و دوم، ویژگیهای شخصی و بعد روانشناختی انسان، که کار چقدر با شخص و ابزاری که می‌خواهد کار انجام دهد تناسب داشته باشد تواناییهای خود مهارت‌های کسب شده توسط او و روحیه و قدرت انجام کار، با کار ارائه شده به فرد باید تناسب داشته باشد. بعنوان نمونه، استرس، یا فشار که یکی از رخدادهای مهم در محیط‌های کاری است، ناشی از احساس ناتوانی یا کم توانی فرد برای انجام کار ارجاء شده به اوست. این استرس در حقیقت انسان را دچار سوختگی روحی و روانی، می‌نماید (همچنانکه یک دستگاه الکترونیک از کار افتاده یا دچار نقص در عمل می‌شود). بهمین خاطر است که شناخت کار یا ارگونومی کار حائز اهمیت است. شناخت اینکه افراد با چه ویژگی‌هایی چه نوع کارهایی را باید انجام دهند، چه نوع کارهایی را بهتر می‌توانند انجام دهند و محیط و فضای کاری باید چگونه تنظیم شود. اگر کار و محیط استرس زا باشد، فرد را از پا در می‌آورد و بعکس اگر آرام بخش باشد، در بهداشت و روان فرد بسیار موثر است. پدیده‌هایی مانند استرس یا فشار، افسردگی، اضطراب، ناامیدی، ناراضی‌تی شغلی، و... از جمله مقولاتی بشمار می‌روند که معمولاً روی عملکرد شغلی یا به تعبیر دیگر بهره‌وری و کارآئی کارکنان تأثیر می‌گذارد و شادابی و نشاط را از فرد می‌گیرند. استرس، حالت‌هایی از عصبانیت، اضطراب، عدم تمرکز و... را ایجاد می‌کند که می‌توانند فرد را دچار بیماریهای جدی دیگر نظیر اضطراب، افسردگی و ... نمایند. در حقیقت خود این بیماری‌ها می‌توانند یک سیکل معیوب را بوجود آورده و کارآئی فرد را کم کنند، بر استرس‌ها بیافزایند و مشکلات خانوادگی و شغلی و کاری را افزایش دهند. مطلب مهم دیگری که باید در همین جا به آن اشاره شود، نیاز فرد به دانستن بازدهی کار خود و بیش‌بینی سرانجام و راندمان آن است.

در کارهایی که میزان اثر بخشی و مفید بودن کار مشخص نیست و سیستم فیدبک (باز خوردی) شخصاً به فرد باز دهی را نمی‌دهد، ممکن است شخص دچار احساس عدم مفید بودن یا بی‌په‌ودگی شود. مقوله (منزلت شغلی) از موارد دیگر مهم و مطرح در کار است. قائل نشدن شأن یا منزلت برای برخی کارها افراد را به نپرداختن به آنها ترغیب می‌کند و مانع از



دیگران

فعالیت فرد می‌گردد. در حقیقت جدای از جنبه‌های مادی کار، وجوه عاطفی، اجتماعی و فکری بر مواجهه فرد با شغل تأثیر می‌گذارد. از این روی است که مجموعه نیازهای حیاتی و روابط بین فردی در محیط کار باید در نظر گرفته شود. انسانی که نیازهای اولیه‌اش برآورده نشود، طبیعتاً در راندمان و بازده کار دچار اختلال شده و از لحاظ عملکرد دچار آسیب می‌گردد.

البته تأمین نیازهای زیستی، دلیل اولیه کار در اجتماع است اما علت متعالی تر آن، که از لحاظ خصوصیات انسانی نیز مطرح است، نیاز به احساس ایمنی و اطمینان نسبت به تأمین نیازهای آتی زندگی مان است. وجه دیگر کار، رفع نیازهای اجتماعی فرد، نظیر مقبول واقع شدن توسط افراد و مفید واقع شدن برای جامعه است، فراتر از آن کار وسیله‌ای برای احیای کرامت انسانی و موجب عزت نفس و احساس اتکا به خویشستن است. در صورت مهیا شدن و ایجاد مجموعه فوق است که احساس رضایت کاری و فردی در شخص پدید می‌آید. البته در خصوص احساس خشنودی شغلی ذکر دو مقوله عمده زیر نیز مفید است، یکی عوامل محیطی و دیگری متغیرهای شخصی. در عوامل محیطی، سطح شغل، محتوای شغل، مسؤلیت رهبری، دستمزد و ترفیع، تعامل‌های اجتماعی و کارکردهای گروه در زمره عوامل مؤثر در نظر گرفته می‌شود و در متغیرهای شخصی، سن، تحصیلات، مسأله جنسیت و... در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر همه اینها، احساس مورد قبول واقع شدن، مورد احترام واقع شدن، درک شدن توسط مدیران و اعتماد به نفس، به عنوان مهمترین فاکتورهای تعامل گروهی مطرح هستند و درکنار دستمزد ارزش خاص خود را دارند. مسئله فسیل شدن در کار، در جا زدن، دور نما و امنیت کار نیز همه از عناصر تعیین کننده به شمار می‌روند.

آشنائی با مؤسسه توانبخشی

گودویل GOOD WILL

حسن عبیدی

«گودویل» یکی از قدیمی‌ترین و بزرگترین سازمانهای توانبخشی در آمریکا است که در جهت همراهی و همیاری به معلولین برای تغییر زندگی خویش و حرکت به سوی استقلال شخصی و مالی آنان گام بر می‌دارد و در این راه از کمک‌های مردمی استفاده می‌نماید.

«گودویل» در حقیقت دارای برنامه‌های کارآموزی برای معلولین می‌باشد و تنها در سال ۱۹۹۵ به ۲۱۴۵ نفر خدمات و آموزشهای فنی - حرفه‌ای ارائه داده است. در سال گذشته همچنین بیش از ۴۰۰ نفر توسط «گودویل» در مشاغل مختلف و با حقوق مناسب مشغول به کار شدند.

«گودویل» یکی از تأمین کنندگان ردیف اول صنعت خودگردان (صنایع شخصی خودکفا) می‌باشد. قراردادهای صنعتی گودویل بخشی از درآمدهای لازم برای حمایت از این برنامه‌های حرفه‌ای را تأمین کرده، به شرکت کنندگان در برنامه‌ها، فرصت می‌دهد تا مهارتهای شغلی خود را در مرکز کارآموزی گودویل بهبود بخشند.

پنج فروشگاه وابسته به «گودویل»، درآمد حاصل از فروش کالاها و ارائه تولیدات خود را که با قیمت مناسب به مردم عرضه می‌شود، به مؤسسه اختصاص می‌دهند تا در راستای اهداف انسانی آن، مورد استفاده قرار گیرد.



به لحاظ حضور مقوله‌ای به نام انسان و مشارکت عملی او در پروسه کار، خصوصاً به خاطر اهمیت محوری او، نمی‌توان به برخوردهای شیئی و بدون روح دست یازید

بطور خلاصه می‌توان گفت که کار همچون دیگر مقوله‌های حیاتی بشر با چهار جنبه اصلی و مهم زندگی انسان یعنی (حیات جسمی)، (حیات فکری)، (حیات روحی - عاطفی) و (حیات اجتماعی) عمیقاً پیوند خورده است و در صورت تأمین صحیح و اثناء این چهار جنبه حیات بشری، در کار است که فرد نه تنها احساس رضایت حیاتی و شغلی میکند که می‌تواند برای محیط کار و اجتماع مفید واقع شود.

دوست داشتن و یا بعبارت دیگر برای چیزی و یا برای کسی زنده بودن. درست در جایی که ما نمی‌توانیم چیزی را تغییر دهیم از ما خواسته می‌شود، انتظار می‌رود که خودمان را تغییر دهیم، رشد کنیم، متحول شویم، از خود فرا رونده شویم، و سرانجام انسان شویم.

معنا خواهی قوی‌ترین نیرو در انسان است و برای پیدا کردن معنای زندگی انسان باید بتواند به سه سؤال زیر پاسخ دهد:
من برای چه زنده هستم؟ من برای کی زنده هستم؟ و من چگونه با رنج خود روبرو می‌شوم؟

من رنج خود را چگونه معنا می‌کنم؟ مربوط می‌شود به ارزشهای نگرشی، در اینجا تأکید به رویارویی با سرنوشت غیر قابل تغییر و موضع‌گیری انسان با آن است. آزادی روح انسان تعیین می‌کند که او چه نگرشی را در برابر سرنوشت خود انتخاب کند. انسان در برابر این انتخاب مسؤل است.

معنا در زندگی وجود دارد و آنرا می‌توان جستجو، کشف و پیدا کرد. اما انسان نمی‌تواند معنا را به دلخواه به وجود آورد، و آنرا در افکارش بسازد. انسان جستجوکننده معنا است و نه بوجود آورنده آن. علت بیماری‌ها و اختلالات روانی، بی‌معنایی زندگی است. کار و فعالیت زیاد باعث بیماری روانی نمی‌شود، بلکه علت بیماری بی‌معنا بودن زندگی است.

انسان بالغ، انسان از خود فرا رونده است. برای معنا بخشیدن به زندگی سه راه وجود دارد:

الف- اگر انسان چیزی خلق کند، زندگیش می‌تواند با معنا باشد، در

اینجا انسان از خود سؤال می‌کند: من برای چه زنده هستم؟

ب- انسان معنا را در شیوه تجربه کردن زندگی، یا کسی را دوست

داشتن می‌بیند. در اینجا انسان از خود سؤال می‌کند: من برای چه کسی

زنده هستم؟

ج- طرز برخوردی که ما نسبت به رنج بر می‌گزینیم. در جایی که ما با

یک سرنوشت غیر قابل تغییر روبرو می‌شویم (یک بیماری غیر قابل

علاج، یک موفقیت نا امید کننده...) در اینجا است که زندگی می‌تواند با

معنا شود. انسان معنا را در نگرش درست در برابر سرنوشت غیر قابل

تغییر و اجتناب ناپذیر می‌یابد.

معنا درمانی

دکتر جمشید افشنگ

معنا درمانی از خود را بشناس با فراتر می‌گذارد و تأکید بر خودت تصمیم بگیر، می‌کند. به عبارت دیگر معنا درمانی صحبت از قدرت تصمیم‌گیری انسان می‌کند. روح انسان تصمیم‌گیرنده، مسؤل موضع‌گیرنده و ارزیابی‌کننده است. در معنا درمانی انسان بودن یعنی مسؤل بودن.

چیزی که ما بوسیله تجربه از دنیا دریافت می‌کنیم می‌تواند باری بر دوش ما شود می‌تواند باعث درد ما شود، می‌تواند ما را رنج دهد. اما آنچه ما براساس تصمیم‌گیری به دنیا می‌فرستیم به خود ما برمی‌گردد، هویت ما را تعیین می‌کند.

رفتار انسان بالغ توسط شرایط دیکته نمی‌شود، بلکه از طریق تصمیم‌هایی که خود انسان می‌گیرد تعیین می‌شود. از انسان می‌توان همه چیز را گرفت به جز آزادی او را، انسان آزاد است خود تصمیم بگیرد که چه نگرشی و چه موضع‌گیری در برابر سرنوشت غیر قابل تغییر انتخاب کند.

در معنا درمانی از خود فرا رونده و از خود فاصله گرفتن بسیار مهم است. انسان بالغ، انسان از خود فرا رونده است. انسان به همان اندازه انسان‌تر است که خود را نبیند و فراموش کند و در وظیفه‌ای غرق شود که باید تحقق یابد. چیزی خلق کردن و به دنیا هدیه کردن، کسی را

انسان به همان اندازه انسان‌تر است که
خود را نبیند و فراموش کند و در
وظیفه‌ای غرق شود که باید تحقق یابد.
چیزی خلق کردن و به دنیا هدیه کردن،
کسی را دوست داشتن و یا بعبارت
دیگر برای چیزی و یا برای کسی زنده
بودن.

درست در جایی که ما موقعیتی روبرو می‌شویم که نمی‌توانیم تغییر دهیم، از ما انتظار می‌رود که خود را تغییر دهیم، رشد کنیم، بالغ شویم، از خود فرا تر رویم. رنج زمانی معنا پیدا می‌کند که تو آدم دیگری بشوی.

سازگاری اجتماعی

تا کنون هیچ تعریف مورد قبول جهانی از سازگاری نشده است، زیرا صاحب‌نظران تأکید بر جنبه‌های مختلف سازگاری، موجود در رابطه با جوامع و فرهنگ‌های مختلف دارند. با این حال، صاحب‌نظران بیست و بیژگی را بعنوان اشکال مختلف منش و رفتار افراد خوب سازگار یافته به شرح زیر ارائه می‌دهند:

- ۱- فرد سازگار، هم قادر و هم خواهان مسئولیت متناسب با سن خود می‌باشد.
- ۲- فرد سازگار، مایل به پذیرش تجارب و مسئولیت‌های مربوط به نقش و یا موقعیت خویش در زندگی است.
- ۳- فرد سازگار، با اشتیاق به حل و فصل مشکلاتی که بر سر راه خویش می‌بیند، می‌پردازد.
- ۴- فرد سازگار، در تجارتی که متعلق به محدوده سنی اوست، با لذات شرکت می‌کند.
- ۵- فرد سازگار، با از بین بردن موانع رشد و شادکامی خویش، لذت می‌برد، البته پس از شناخت کافی از اینکه موانعی واقعی هستند نه تخیلی.
- ۶- فرد سازگار، قادر است تا در حالت تعارض و نگرانی و ناکامی، تصمیمات مقتضی بگیرد.
- ۷- فرد سازگار، بجای عذر تراشی و دلیل تراشی برای شکست‌ها خود از آن عبرت می‌گیرد.
- ۸- فرد سازگار، تا زمانیکه عوامل جدید و مهمی وارد صحنه نشده‌اند، به انتخاب خویش وفادار است.
- ۹- فرد سازگار، ارضای عهده خویش را در موقعیتها و تجارب واقعی زندگی می‌بیند، نه در محور رویاها و توهمات.
- ۱۰- فرد سازگار، از اندیشه خویش برای طرح برنامه‌های عملی استفاده می‌کند.

- ۱۱- فرد سازگار، موقعیت خویش را بیش از حد بزرگ نمی‌بیند.
 - ۱۲- فرد سازگار، می‌داند چگونه و چه وقت کار کند و چگونه و چه وقت به تفریح بپردازد.
 - ۱۳- فرد سازگار، به موقعیت‌هایی که در ازاء رسیدن به موقعیتی او را از هدف و رغبت واقعی‌اش دور می‌سازد، پاسخ منفی می‌دهد.
 - ۱۴- فرد سازگار، به موقعیت‌هایی که موقتاً نامطبوع است ولی کاملاً برای او مفید است، پاسخ مثبت می‌دهد.
 - ۱۵- فرد سازگار، محبت خویش را مستقیماً نشان می‌دهد و شواهدی متناسب با میزان و نوع محبت در عمل ابراز می‌دارد.
 - ۱۶- فرد سازگار، خشم خود را در جریان دفاع از خویش بی‌پرده ابراز می‌دارد و چگونگی ابراز، متناسب با نوع و میزان آسیبی است که دیده است.
 - ۱۷- فرد سازگار، زمانیکه تغییر علتها و عوامل بوجود آورنده ناراحتیها از توانش خارج است، قدرت تحمل درد و ناکامی عاطفی را دارا می‌باشد.
 - ۱۸- فرد سازگار، عادات و نگرشهای ذهنی خویش را آنچنان سازمان یافته در اختیار دارد که می‌تواند در مواجهه با مشکلات سازش لازم را بنماید.
 - ۱۹- فرد سازگار، می‌تواند انرژی خویش را روی یک هدف معین و واحد که مصمم به رسیدن آن است، متمرکز کند.
 - ۲۰- فرد سازگار، در تغییر این حقیقت که زندگی یک تلاش بی‌پایان است، کوششی به عمل نمی‌آورد، بلکه می‌داند شخصی کمتر با خود در ستیز است که بیشترین نیرو را در مقابل موانع خارجی دارد.
- فرد سازگار، خشم خود را در جریان دفاع از خویش بی‌پرده ابراز می‌دارد و چگونگی ابراز، متناسب با نوع و میزان آسیبی است که دیده است**
- فرد سازگار، زمانیکه تغییر علتها و عوامل بوجود آورنده ناراحتیها از توانش خارج است، قدرت تحمل درد و ناکامی عاطفی را دارا می‌باشد**

میزان شیوع معلولیت در ایران روبه افزایش است

با آن که بر طبق نظر سازمان بهداشت جهانی هر چه توسعه در کشورها پیشرفت کند باید میزان معلولیتها کاهش یابد اما در ایران میزان شیوع معلولیت روبه افزایش است. این در حالی است که هم‌اکنون دو میلیون و ۶۰۰ هزار فرد با ناتوانی شدید و متوسط در ایران زندگی می‌کنند. بر طبق سرشماری که در سال ۱۳۷۵ انجام شد درصد ناتوانی ۴/۲۹ درصد از کل جمعیت کشور اعلام شده است. از دو سال پیش تا کنون ۳۲ هزار فرد معلول دیگر از طریق شبکه بهداشتی درمانی شناسایی شده‌اند که سازمان بهزیستی کشور توانسته به ۷۰ درصد آنان خدمات ارائه دهد. بر طبق آمار سازمان بهداشت جهانی ۱۰ درصد جمعیت هر کشوری ناتوان است که سه درصد آن ناتوانی بارز دارند.

با آن که وضعیت بهداشت عمومی در کشور رشد بالایی را نشان می‌دهد اما به علت وضعیت فرهنگی، ازدواج‌های فامیلی، وجود بیش از ۶ درصد سالمند در کشور میزان شیوع معلولیت در کشور روبه افزایش است. بر طبق آمار سازمان جهانی بهداشت بیش از ۶ میلیون نفر معلول در کشور ایران وجود دارد و بر اساس اعلام دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی رقم معلولان ذهنی ۶۳ در هزار، معلولیت جسمی ۱۱ در هزار، نابینایی ۷ در هزار و ناشنوایی ۳ در هزار است. تعداد معلولان در ایران تقریباً دو برابر کشورهای پیشرفته است.

۷۰ درصد توان‌یابان از آموزش محرومند.

کارشناسان معتقدند بزرگترین مشکلی که معلولان در هر جامعه‌ای با آن روبرو هستند برخورد مردم با آنان است که این از فقدان آگاهی در خصوص توانایی‌های فرد معلول و

ابتکار عملها یا غالباً دخالت مستقیم نمودند یا از طریق برنامه‌های کمک متقابل در این امر مهم ایفای نقش کردند.

ایجاد یا اصلاح جهت‌گیری فرآیندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهت فراهم نمودن امکان دستیابی معلولین به حقوق طبیعی و خداداد به عنوان شهروندانی برابر خدادی میمون و مبارک است.

اعلامیه ۱۹۷۵ مجمع عمومی در مورد حقوق افراد توان‌یاب (معلول) اظهار می‌دارد که معلولین حقوق مدنی و سیاسی همانند با سایر افراد دارند. این اعلامیه خواستار اعمال رفتار و ارائه خدمات برابر در جهت توسعه حداکثر تواناییهای توان‌یابان (معلولین) است.

توان‌یابان از قابلیت‌هایی برخوردارند که خیلی از افراد تحت شرایط مشابه از آن محروم هستند همچون شجاعت، محبت، تسخیر ناپذیری، پشتکار، اخلاص و ...

هم‌اینک و در آستانه ۱۲ آذر روز جهانی توان‌یاب شاهد آگاهی نسبی، درک و تشخیص بیشتری نسبت به احتیاجات، توانایی‌ها و پتانسیل افراد توان‌یاب قرار داریم لیکن موارد بیشتری برای دستیابی باقی مانده است.

وضعیت توان‌یابان در کشورهای در حال توسعه و جوامعی که با نابسامانی‌های اجتماعی، خشونت، درگیری، جنگ، قحطی، آوارگی و امراض گوناگون مواجهه هستند، خطرناک و قابل تأمل است.

از اینرو جلب نمودن توجه جامعه بین‌الملل نسبت به حقوق و پتانسیل‌های افراد توان‌یاب در اینگونه کشورها همت همگانی جهانیان را می‌طلبد.

۱۲ آذر روز جهانی توان‌یاب (معلول)

روز جهانی توان‌یاب (معلول) فرصتی است نیکو برای طرح این واقعیت که معلولین نیز شایسته دستیابی به فرصتهای مساوی چون شرکت در تصمیم‌گیریهای مربوط به خود، بهره‌برداری از فضاهای اجتماعی - اقتصادی - سیاسی - فرهنگی به منظور ارتقاء بخشیدن و تضمین حقوق انسانی خود در تمامی سطوح چرخه حیات هستند. سال

۱۹۸۱ به عنوان «سال بین‌المللی» و دهه (۱۹۹۲-۱۹۸۳) به عنوان دهه سازمان ملل متحد برای معلولین (مصوب سی و هفتمین اجلاس عمومی سازمان ملل متحد) ابتکار عملهایی در زمینه جلوگیری از معلولیت، توانبخشی و برابری فرصتها در کشورهای در حال توسعه صورت داد. سازمانها و کارگزارهای وابسته به سازمان ملل متحد و سازمانهای غیر دولتی بین‌المللی در این



وجود نگرش منفی جامعه ناشی می‌شود و همین نگرشها باعث شده که ۷۰ درصد معلولان از آموزش محروم شوند. به گفته همین صاحب‌نظران این برخوردها در همه سطوح جامعه دیده می‌شود. برای نمونه با آن که طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی و تأمین اعتباری که سازمان برنامه و بودجه سابق نکرده است باید ۳ درصد استخدام‌های مؤسسات و سازمان‌های دولتی از افراد معلول باشد اما این اتفاق عملاً نیفتاده است و این جدا از سهمیه ۷ درصدی جانبازان پیش‌بینی شده بود.

محمد کمالی، معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی در این باره می‌گوید: «با آنکه این مصوبه مجلس است اما عملاً رعایت نمی‌شود. البته این مصوبه با موانعی نیز روبروست از جمله آن که این قانون شامل بانک‌ها و شهرداری‌ها که درصد بالای استخدامی را دارند، نمی‌شود.»

وی با اشاره به برخی آگهی‌ها که توسط مؤسسات دولتی در جراید منتشر می‌شود،

می‌گوید: «بسیاری از این آگهی‌ها این مورد را ذکر کرده اما در آخر شرط سلامت جسمی را نیز قید می‌کنند که خود به خود معلولان و جانبازان از اولویت خارج می‌شوند.»

سازمان بهزیستی کشور سال گذشته برای تشویق کارفرمایان کارگاه‌های خصوصی طرحی را پیشنهاد کرد که تصویب شد. بنابراین آیین‌نامه مقرر شد ۱۲۰ میلیون تومان حق بیمه افراد معلول شاغل در کارگاه‌ها و مؤسسات خصوصی توسط بهزیستی پرداخت شود که این رقم در سال جاری به ۱۴۰ میلیون تومان افزایش یافت.

همچنین در آخرین سرشماری که انجام شد ۶/۶ درصد جمعیت کشور بالای ۶۰ سال سن داشتند که پیش‌بینی می‌شود در ۲۰ سال آینده جمعیت سالمندان ایران دو برابر خواهد شد.

این رقم در فرانسه در طول ۱۱۷ سال و در چین در مدت ۲۷ سال دو برابر شد که در این زمینه ایران رکورد بالاتری را داراست.

در دو سال گذشته ۳۲ هزار فرد معلول شناسایی شده که بدین ترتیب آمار معلولان با ناتوانی شدید به دو میلیون و ۶۰۰ هزار نفر رسید.

در مراکز دولتی نگهداری سالمندان ۶ هزار ظرفیت وجود دارد که در حال حاضر این ظرفیت تکمیل است که از این تعداد ۴۰ درصد فاقد سرپرست بوده و ۶۰ درصد هم دارای معلولیت هستند.

محمد کمالی معاون امور توانبخشی بهزیستی کشور در خصوص فعالیتهای این

معاونت می‌گوید: «سیاست ما معلول محوری است که با این توجیه که ما هستیم چون افراد معلولی در جامعه هستند که ما باید به آنها خدمات ارائه دهیم. تا قبل از این معلولان بودند که به ما مراجعه می‌کردند اما با سیاست جدید و اقداماتی که انجام شده، این ما هستیم که به سراغ افراد معلول می‌رویم. از دو سال پیش از طریق شبکه بهداشتی درمانی وارد منازل شده و معلولان را شناسایی کردیم که بر طبق آمار به دست آمده ۳ میلیون نفر در ۲۰ شهر کشور جزو افراد ناتوان هستند.»

وی درباره جمع‌آوری افراد روانی از سطح

شهر نیز می‌گوید: «بهزیستی موظف شده بود آیین‌نامه اجرایی ساماندهی بیماران روانی را تهیه کند که هفته گذشته آماده و ارائه شد که در آن با در نظر گرفتن اعتبارات و دادن اقدامات از سال آینده ساماندهی

انجام خواهد شد.»

کمالی یکی از کارهای مهم انجام شده را تصویب طرح الحاق افراد معلول به جامعه

می‌داند: «ماده ۱۹۳ قانون توسعه که به تصویب هم رسیده، طرح مناسب سازی جامعه برای معلولان است. که در اولین قدم قرار شده ورودی تمام ساختمان‌های دولتی و مراکز مهم شهری برای ورود بی‌موانع معلولان مناسب سازی شود و در گام بعدی داخل ساختمان‌ها نیز مناسب خواهد شد. که این امر با تأمین مشارکت مردمی و تقویت تشکلهای غیر دولتی سریع‌تر امکان‌پذیرتر خواهد شد.»

در حال حاضر ۱۰۵ تشکل غیر دولتی در کشور در امور معلولان فعالیت می‌کنند. همچنین ۱۸۰ مرکز فیزیوتراپی در کشور وجود دارد که فقط ۲۰ درصد آنها در اختیار معلولان قرار دارد.

به گفته معاون امور توانبخشی بهزیستی تلاش شده تا ارتباط معلولان با جامعه بیشتر شود: بنابر همین، در گذشته ۵۰ مرکز شنوایی وجود داشت که فقط میزان شنوایی را سنجش می‌کردند در حالی که امروز ۶۵ مرکز ناشنوایان وجود دارد که در آن سعی می‌شود فاصله میان ناشنوایان و افراد جامعه کمتر شود.

کمالی در این باره می‌گوید: «مسنولان آموزش و پرورش از سال گذشته پذیرفته‌اند که باید دانش‌آموزان معلول در کنار افراد عادی تحصیل کنند و قرار شده به جای ساختن مدارس استثنایی، وسایل مورد نیاز معلولان را در اختیارشان قرار دهیم تا بتوانند

ارتباط بیشتری با دیگران برقرار کنند.» صاحب‌نظران معتقدند می‌توان با پیشگیری به موقع از بروز معلولیت‌ها و ناتوانی افراد جلوگیری کرد. همان‌طور که با اجرای طرح جلوگیری از تبلی چشم از ۲۰ هزار مورد نابینایی جدید جلوگیری شد.

جشنواره موسیقی معلولین زمستان امسال برگزار می‌شود.

معاونت امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور اعلام کرد به منظور اعتلای هنر معلولین در نظر دارد نخستین جشنواره موسیقی معلولین را در دو بخش مسابقه و جنبی در زمستان ۷۹ برگزار نماید. علاقمندان می‌توانند تا تاریخ ۱۵ دی‌ماه ۷۹ مدارک مورد نیاز را به دبیرخانه جشنواره ارسال نمایند. تلفن دبیرخانه جهت کسب اطلاعات بیشتر ۰۲۰۹۰۶۷۰۲۰۹۰ و ۰۲۰۰۱۶۷۰۲۰۰۱ داخلی ۲۳۹۶ است.

برگزاری کارگاه آموزش حقوق افراد معلول:

کارگاه آموزش حقوق افراد دارای معلولیت ابان ماه امسال در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار شد. در این کارگاه که به مدت دو روز ادامه داشت رئیس سازمان بهزیستی کشور و جمعی از اساتید پیرامون حقوق مدنی معلولین به صحبت پرداختند. رئیس سازمان بهزیستی کشور در کارگاه آموزش حقوق افراد معلول عنوان نمود: باید اعتراف کرد که هنوز قانون جامعی در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت به تصویب نرسیده است. دکتر غلامرضا انصاری گفت: تدوین قانون حقوق افراد دارای معلولیت ما یکی از اولویتهای اساسی سازمان بهزیستی کشور در مرحله کنونی است. قانونی که به معلولیت و معلول از زاویه حقوق مدنی نگاه کند، نه از زاویه یک موضوع بهداشتی و رفاهی

وجود تشکیلات موازی توزیع کمک‌های مردمی به معلولان و نیازمندان، آنان را با مشکل مواجه کرده است

تأمین مشارکت مردمی و تقویت تشکیلاتی غیر دولتی تنها راه پاسخگویی به نیاز معلولان کشور است.

چندی پیش رئیس هیأت مدیره سازمان بهزیستی استان تهران در خبری اعلام کرد که این سازمان توان پاسخگویی به تمامی این نیازمندان را ندارد.

به گزارش روزنامه دوران امروز روزانه بطور متوسط ۳۱۱ معلول به سازمان بهزیستی استان تهران مراجعه می‌کنند.

کارشناسان سازمان بهزیستی معتقدند اگر کمک‌های مردمی در یک سازمان تمرکز پیدا کند امر خدمات دهی بهتر انجام می‌شود. این در حالی است که سازمان‌ها و نهادهایی که موازی با بهزیستی پیش می‌روند کمک‌های مردمی را به سازمان کاهش می‌دهند. در حالی که طبق قانون این سازمان وظیفه حمایتی و توانبخشی را در کشور به عهده دارد.

روزانه بطور متوسط ۳۱۱ معلول به سازمان بهزیستی استان تهران مراجعه می‌کنند.

در حال حاضر ۱۰۵ تشکل غیر دولتی در کشور وجود دارد که در کنار سازمان بهزیستی به معلولان خدمات می‌دهد. اما به گفته کارشناسان این تعداد جوابگوی نیازها نیست بخصوص آنکه فقط در بخش توانبخشی تعداد معلولان در ایران تقریباً دو برابر معلولان در کشورهای پیشرفته است.

در حالی که ۴۰۰ مورد ضایعه نخاعی در کشور شناسایی شده اما در کشور فقط ۱۸۰ مرکز فیزیوتراپی موجود است که از این تعداد هم فقط ۲۰ درصد در اختیار معلولان قرار دارد.

از تعداد ۱۰۵ تشکل غیر دولتی که در ۶ ماهه اول سال جاری فعالیت می‌کنند ۲۵ مرکز مخصوص معلولان جسمی حرکتی، ۷ مرکز معلولان ذهنی ۲۶ مرکز معلولان نابینا، ۳۸ مرکز مربوط به معلولان ناشنوا، ۴ مرکز نگهداری سالمندان و ۵ انجمن معلولین ضایعات نخاعی است.

اما آنچه معلولان را رنج می‌دهد. شناخت و آگاهی و نگرش منفی جامعه، عدم باور عمومی به تساوی فرصت‌ها و فقدان قوانین و مقررات است که این‌ها همه در کنار کمبود بودجه، امکانات فنی و تخصصی قرار گرفته است.

به گفته کمالی معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور با آن که رقم بودجه برنامه توانبخشی رشد را نشان می‌دهد اما متأسفانه تعداد افرادی که ناتوانی شدید و متوسط دارند نیز در سال جاری به دو میلیون و ۶۰۰ هزار نفر رسیده است.

کمالی مهمترین برنامه‌های این سازمان را در سال جاری استفاده از بستر جامعه برای تأمین فرصت‌های شغلی، تأمین و توزیع وسایل کمک توانبخشی، انجام مطالعات

کاربردی برای ارتقای نحوه ارائه خدمات عنوان کرد.

وی معتقد است ادغام توانبخشی مبتنی بر جامعه در شبکه‌های بهداشتی درمانی، واگذاری و گسترش خدمات توانبخشی در بخش غیر دولتی می‌تواند کمک بزرگی به معلولان کشور کند.

در این راستا می‌توان تقویت تشکیلاتی معلولان، انجام طرح معلول محوری و رسیدگی جدی به نیازهای آنان را نیز اضافه کرد.

وی بزرگترین مشکل جامعه معلولان را مسائل فرهنگی می‌داند که بخصوص در میان نابینایان و ناشنویان این بحث بسیار جدی است. کمالی در این باره می‌گوید: معمولاً خانواده‌ها برای ازدواج فرد سالم با معلول مشکل می‌گیرند، هر چند که معلول از توانایی‌های بالایی نیز برخوردار باشد. وی اعلام کرد در این راستا بنیادی به نام ازدواج راه اندازی شده تا نسبت به رفع مشکلات آنان و خانواده‌هایشان گام‌هایی بردارد.

جشن بزرگ مجتمع رعده امسال هم برگزار شد.

به مناسبت فرا رسیدن ۱۲ آذر روز جهانی توان یابان، جشنی در محل مجتمع رعده برپا شد. بیش از ۷۰۰ نفر از مهمانان، نیکوکاران، توان یابان و هیأت مدیره و امنای مجتمع رعده در این جشن حضور داشتند. اجرای مراسم توسط آقای داریوش کاردان هنرمند برجسته رادیو و تلویزیون انجام شد. در ابتدا پیام دبیر کل سازمان ملل متحد بوسیله آقای افتخار علی قرانت گردید. سپس گزارشی از فعالیت یک ساله مجتمع به سمع و نظر حضار رسید. سخنرانی یک فرد نیکوکار و قرانت دعای توسل از سایر برنامه‌های جشن بود که پس از آن با صرف افطار مهمانان همراه با توان یابان، مراسم به خاتمه رسید.

لازم به ذکر است مراسم افطار امسال نیز همچون هر سال به همت گروه بانوان نیکوکار رعده برپا شده است.

برگزاری بازار خبریه رعد

به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی معلول، بازار خبریه‌ای به همت گروه همیاری بانوان و جوانان نیکوکار رعد برپا شد. به علت همزمانی با ماه مبارک رمضان، امسال از تاریخ ۲۸ آبان لغایت ۴ آذر این بازار خبریه برگزار شد. در این بازار ۵۳ غرفه از شرکتها و مؤسسات مختلف شرکت داشتند، که طی آن عوایدی به نفع کارآموزان مجتمع به دست آمد.

اجناس برخی غرفه‌ها به صورت اهدایی و برخی دیگر به صورت پرداخت درصدی از سود فروش به توان یابان مجتمع اهدا شد. از جمله غرفه‌های شرکت کننده، غرفه کارآموزان و کارآموختگان مجتمع رعد در بخش هنری بود که با استقبال فراوان بازدیدکنندگان و افراد خیر روپرو شد. در طول یک هفته برگزاری بازار خبریه بیش از سه هزار نفر از آن دیدن کردند.

پایان دوره نمایندگی دبیر کل سازمان ملل در ایران

آقای افتخار علی - نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد در ایران - تا پایان آذر ماه دوره کاری خود را در ایران به پایان می‌رساند.

افتخار علی روزنامه نگاری با سابقه است که در سال ۱۹۸۳ به عنوان رئیس اتحادیه روزنامه نگاران ملل متحد که مقر آن در شهر نیویورک است انتخاب شد. یک سال بعد ریاست سازمان مطبوعات خارجی (FPA) را نیز به عهده گرفت.

نامبرده در سال ۱۹۸۴ به عنوان رئیس صندوق یادواره دگ همر شولود وابسته به اتحادیه روزنامه نگاران ملل متحد (UNCA) انتخاب شد. صندوق مذکور حاصل تلاش داوطلبانه گروه خبرنگاران مستقر در سازمان ملل متحد است که یورسیه به روزنامه نگاران شاغل جوان از

کشورهای جهان سوم به منظور پوشش خبری اجلاس سالانه مجمع عمومی ملل متحد ارائه می‌دهد.

آقای علی به مدت ۱۰ سال ریاست صندوق مذکور را به عهده داشت. در سال ۱۹۹۷ اتحادیه روزنامه نگاران ملل متحد به دلیل فعالیت های درخشان وی در زمینه روزنامه نگاری عضویت دائمی به او اعطا کرد. ۲ سال بعد افتخار علی مفتخر به دریافت بالاترین نشان ملی پاکستان به نام "بهترین عملکرد به پاس خدمات در روزنامه نگاری گردید.

افتخار علی در سال ۱۹۵۹ در خبرگزاری پاکستان (APP) که خبرگزاری ملی آن کشور است مشغول به کار شد و به مدت ۱۷ سال نماینده خبری این خبرگزاری در ستاد ملل متحد در نیویورک بود. او تعداد زیادی از رویدادهای بین المللی در سراسر جهان را پوشش خبری داده است.

در ماه آگوست سال ۱۹۹۴ افتخار علی به عنوان اولین رئیس مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز به کار نمود و این مرکز را که فعالیتهای آن از ۱۹۸۰ به حال تعلق در آمده بود مجدداً به طور کامل فعال کرد.

آقای علی تبعه پاکستان و متولد سال ۱۹۳۷ است. وی فارغ التحصیل کالج ادواردز در شهر پیشاور، متاهل و دارای ۴ فرزند است. مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد و مجله توان یاب ضمن آرزوی موفقیت برای آقای افتخار علی از زحمات ایشان در طول دوران نمایندگی قدر دانی می‌کند.

سخنرانی افتخار علی در جشن مجمع رعد



وقتی خدا برای زمین عشق آفرید

دیدي غزل سرود، عاشق شده بود
انگار خودش نبود، عاشق شده بود
افتاد، شکست، زیر باران پوسید
آدم که نکشته بود، عاشق شده بود

روزی که دل از دیار ما می بردی
زیبای مرا بگو کجا می بردی
ای مرگ، کنار عشق جایم خالی است
ای کاش می آمدی مرا می بردی

او خنده‌ها و خاطره‌ها را ندیده بود
بی اعتنا نبود نه ما را ندیده بود
در اوج عشق بود و خودش خبر نداشت
مثل پرندۀ ای که هوا را ندیده بود
می گفت در جهان کسی عاشق تر از تو نیست
زیبای من هنوز، خدا را ندیده بود
جایی برای گریه و جایی برای خواب
برشانه‌هایم این همه جا را ندیده بود
وقتی خدا برای زمین عشق آفرید
این عاشقان سر به هوا را ندیده بود

(هامون)

گل احساس

شاخه یاس مرا دزدیدند
گل احساس مرا دزدیدند
بی ریا بودم و خوشدل اما
کهنه کرباس مرا دزدیدند
گفته بودم بزنم فریادی
ایهاالناس مرا دزدیدند
نیمه شب نادریان باترفند
کوه الماس مرا دزدیدند
چه بگویم که ظریفانی چند
گل احساس مرا دزدیدند

حسین رحیمی نهوجی

چقدر از

عمرتان را

هدر می‌دهید

این تست را به دقت انجام دهید و فقط با جواب ((آری)) یا ((نه)) صادقانه به خود بگویید که از عمرتان درست استفاده می‌کنید یا آن را به هدر می‌دهید؟ هر پاسخ منفی یعنی هدر دادن یک سال از عمر خودتان.

۱. آیا به دنبال شناخت و رفع عیبهای خود هستید؟
۲. آیا برای ارتقاء کیفی خود نقاط ضعفتان را قوت می‌بخشید؟
۳. واقعاً مصمم به تغییر مثبت در زندگی خود برای استفاده بهتر از زمان هستید؟
۴. برای بهبود عملکرد خود، نحوه عملکردتان را دائماً می‌سنجید؟
۵. آیا از انتقاد دیگران در مورد خودتان استفاده می‌کنید؟
۶. از افرادی که در زمینه کاری شما صلاحیت دارند، درخواست اظهار نظر می‌کنید؟
۷. آیا فکر می‌کنید در کارهایتان نظم برقرار است؟
۸. آیا اطرافیان و همکارانتان شما را فرد منظمی می‌دانند؟
۹. آیا برای وسایل خود جای معینی در نظر می‌گیرید؟
۱۰. آیا وسایل کارتان را در جای مخصوص خودشان قرار می‌دهید؟
۱۱. آیا برای فردا از امروز برنامه‌ریزی می‌کنید؟
۱۲. آیا در طول روز از خود سؤال می‌کنید که چگونه می‌توانید منظم‌تر باشید؟
۱۳. آیا کارهای روزانه و هفتگی خود را یادداشت می‌کنید؟
۱۴. آیا لیستی از اقدامهاییکه در آینده تصمیم به انجام آن دارید تهیه می‌کنید؟
۱۵. آیا از امروز و فردا کردن کارها دوری می‌کنید؟

۱۶. آیا قبل از شروع کار برای پایان آن زمانی معین می‌کنید؟
۱۷. آیا برای جلوگیری از طولانی شدن زمان انجام کار از تنبلی در کار کردن پرهیز می‌کنید؟
۱۸. آیا قبل از انجام کار در خود انگیزه ایجاد می‌کنید؟
۱۹. آیا به بررسی نگرانی‌هایی که باعث به تعویق افتادن کارها می‌شوند می‌پردازید؟
۲۰. آیا هنگام سخن گفتن حرفهای خود را می‌سنجید؟
۲۱. آیا تلاش می‌کنید با حداقل کلمات و بهترین آنها بیشترین مطلب را انتقال دهید؟
۲۲. آیا وقتی صحبت می‌کنید میزان آگاهی شنونده را در مورد مطلب مربوط در نظر می‌گیرید؟
۲۳. آیا از سخن گفتن در خصوص مطالبی که اطلاعی کافی ندارید خودداری می‌کنید؟
۲۴. اگر در مورد مطلبی اطلاعی کافی ندارید از شما سؤال شود آیا صادقانه می‌گویید در این زمینه اطلاعاتی ندارم؟
۲۵. در موقع صحبت کردن آیا تلاش می‌کنید روی هدفتان تمرکز کنید و در نتیجه اصل مطلب را دنبال کنید؟
۲۶. آیا وقتی کسی با شما صحبت می‌کند به دقت گوش می‌دهید؟
۲۷. آیا هنگام بیان مطالب موقعیت را می‌سنجید؟
۲۸. آیا از پراکنده‌گویی اجتناب می‌کنید؟
۲۹. آیا از گوش دادن به مطالب غیر ضروری خودداری می‌کنید؟
۳۰. آیا در سخن گفتن مطلب مشخصی را تا رسیدن به نتیجه دنبال می‌کنید؟
۳۱. آیا در انتقال مطلب از جدل خودداری می‌کنید تا با توضیحات قانع کننده به نتیجه برسید؟
۳۲. آیا برای مهمانی رفتن و دید و بازدید هدفی را در نظر دارید؟
۳۳. آیا برای مهمانی زمان پایانی در نظر می‌گیرید؟
۳۴. آیا در زمان مورد نظر مهمانی را ترک می‌گویید؟
۳۵. آیا در مهمانی از حضور افراد در کنار هم برای رفع مشکلات سود می‌جوید؟
۳۶. آیا برای استفاده مفید از تلفن راه کنترل مکالمه را تمرین می‌کنید؟
۳۷. آیا از پذیرفتن امری که از آن اطلاعی کافی ندارید اجتناب می‌کنید؟
۳۸. آیا کار را تا رسیدن به نتیجه پی گیری می‌کنید؟
۳۹. آیا دیگران شما را فردی کوشا و پیگیر می‌دانند؟
۴۰. آیا از این شاخه به آن شاخه پریدن و نیمه کارها کردن کارها اجتناب می‌کنید؟
۴۱. آیا برای هر کاری هدف خاصی معین می‌کنید؟
۴۲. آیا برای تعیین هدف وقت کافی اختصاص می‌دهید؟
۴۳. آیا برای انجام کارهاییکه هدفی برای آن ندارید هرچند مورد علاقه‌تان باشد خودداری می‌کنید؟
۴۴. آیا دورنمایی برای آینده زندگانتان دارید؟
۴۵. آیا برای خود هدفهای سالیانه تعیین می‌کنید؟
۴۶. آیا برنامه‌ریزی امروز را برای ساختن آینده ضروری می‌دانید؟
۴۷. آیا برای انجام کارهایتان آنها را اولویت‌بندی می‌کنید؟
۴۸. آیا روز خود را با اولویتها آغاز می‌کنید؟
۴۹. آیا بر گرایش خود به انجام کارهای لذتبخش در مقابل اولویتها غلبه می‌کنید؟
۵۰. آیا جلو تغییر اولویتها را حتی بخاطر دشوار بودن یا بی‌علاقگی می‌گیرید؟
۵۱. آیا برای تعیین چگونگی صرف اوقات خود زمان کافی برای فکر کردن و برنامه‌ریزی اختصاص می‌دهید؟
۵۲. در برخورد با مشکلات آیا از تصمیم‌گیری عجولانه پرهیز می‌کنید؟
۵۳. آیا در برخورد با مشکلات زمانی را برای بررسی و یافتن بهترین راه‌حل در نظر می‌گیرد؟
۵۴. آیا برای پایان یافتن سریعتر کارها در زمان انجام آن توجه خود را به سرعت و دقت در کار معطوف می‌دارید؟
۵۵. آیا برای توجه بیشتر به برنامه‌ها و جلوگیری از تغییر مسیر آنها از تخیل خود استفاده می‌کنید؟
۵۶. آیا از مشغولیتهای ذهنی بی‌دلیل و بی‌نتیجه جلوگیری می‌کنید؟
۵۷. آیا از دخالت در امور دیگران پرهیز می‌کنید؟
۵۸. آیا از قبول کارهای متعدد پرهیز می‌کنید؟
۵۹. آیا در هنگام شروع کار، اقدام جدی برای انجام کار صورت می‌دهید؟
۶۰. آیا از صرف وقت برای افسوس بر گذشته جلوگیری می‌کنید؟
۶۱. آیا از گذشته خود و تجربه‌های دیگران عبرت می‌گیرید تا طی یک مسیر غلط دوباره وقت شما را نگیرد؟
۶۲. آیا کارهای مهم و دشوار را در ساعت‌هاییکه شاداب هستید و انرژی کافی دارید، انجام می‌دهید؟
۶۳. آیا برای انجام کار در زمان مقرر تلاش می‌کنید؟
۶۴. آیا برای اوقاتی که در انتظار هستید (صف اتوبوس، مطب دکتر) کاری مناسب در نظر می‌گیرید؟
۶۵. آیا برای استفاده بیشتر از زمان حال تلاش می‌کنید؟
۶۶. آیا کارها را طوری در نظر می‌گیرید که چندین کار را در یک مرحله انجام دهید؟
۶۷. آیا به هر پاسخ منفی با این دید نگاه می‌کنید که نقطه‌ای را یافته‌اید که با تلاش در رفع آن به خاسته‌هایتان سریعتر خواهید رسید؟

عضوی وابسته به اداره روابط عمومی سازمان ملل متحد از جانب این سازمان رسماً یک «سازمان غیر دولتی» (NGO) شناخته شد. و امید می رود که این موسسه مردمی به عنوان عضوی از اعضای جامعه سازمانهای غیر دولتی جهان بتواند نقش موثری را در راستای اهداف عالیه نودوستانه در سطح جامعه بین المللی ایفا نماید.

سیاستگذاری های مجتمع، که در چهارچوب خط مشی هایی که بر اساس مفاد «منشور رعد» اتخاذ می گردد، از سوی هیات اماناء، مرکب از ۱۹ نفر از افراد خوشنام و سرشناس بخش خصوصی، تعیین و جهت اجراء به مدیریت (شامل یک هیات) مدیره مرکب از ۷ نفر عضو، که از بین اعضاء هیات اماناء، برای ۲ سال به این سمت انتخاب می شود، مدیر عامل و تعداد محدودی از کارکنان تمام وقت (در حال حاضر ۱۵ نفر) ابلاغ می گردد. مجتمع همچنین از خدمات ذیقیمت گروهی از داوطلبان که در دو گروه، همیاری بانوان رعد (تاسیس ۱۳۷۵) متشکل شده اند، بهره مند می گردد. این دو گروه داوطلب، که به اقتضای شرایط موجود مستقلاً یا مشترکاً فعالیت می نمایند، در ارائه خدماتی چند از جمله جمع آوری کمک، روابط عمومی، کمک های آموزشی و اداری، برگزاری مراسم ویژه و جشن ها و تشکیل بازارهای نیکوکاری، کنسرت های موسیقی و دیگر فعالیت های اجتماعی، نقش اساسی ایفا می نمایند. همچنین در پی فعالیت هایی به منظور ارتقاء هر چه بیشتر مشارکت های مردمی، تعداد فزاینده ای از افراد به عنوان عضو افتخاری به جمع خانواده رعد می پیوندند. این گروه از اعضاء حق عضویت مختصری نیز به صورت ماهانه پرداخت مینمایند.

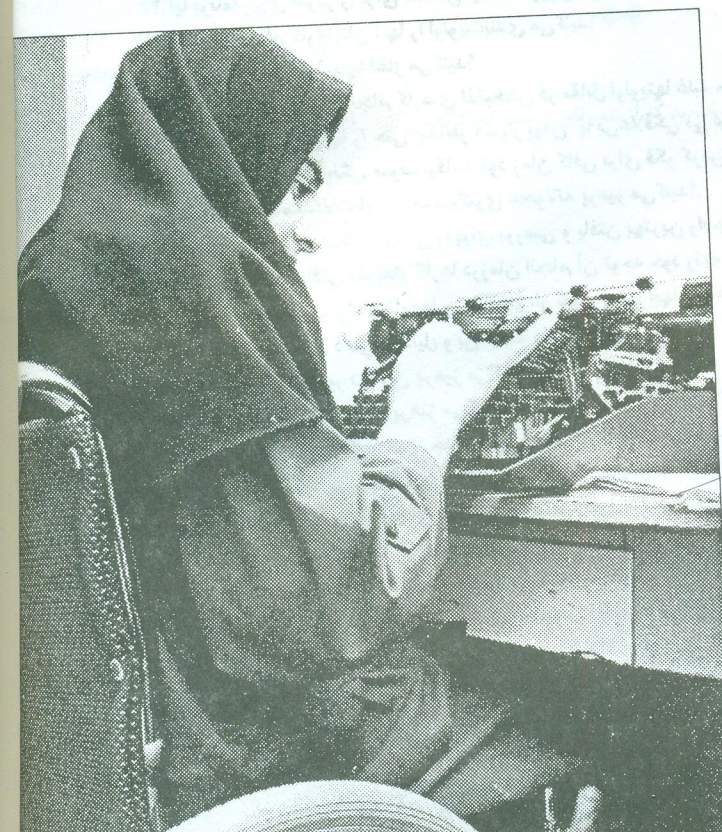
مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد ممتخر است که از آغاز فعالیت های خود تاکنون به بیش از ۱۷۰۰ کارآموز، آموزش های فنی و حرفه ای ارائه نموده و به حدود ۱۴۰۰ نفر از این کارآموزان که دوره های آموزشی را با موفقیت به پایان رسانده اند گواهینامه های فارغ التحصیلی معتبر اعطا نموده است. اغلب این فارغ التحصیلان به استخدام برخی از صاحبان مشاغل و حرف درآمده اند. برخی نیز بصورت خود اشتغالی فعالیت های اقتصادی خود را شروع نموده اند. این فارغ التحصیلان در حرفه های تخصصی خود اشتغال ورزیده و در نتیجه به استقلال مالی نائل آمده اند.

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد در یک نگاه

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد در سال ۱۳۶۳ تحت قوانین جمهوری اسلامی ایران رسماً به شماره ۲۸۱۱ به ثبت رسید. مجتمع نهادی است خیریه و خصوصی که هدف آن ارتقاء توانایی های جامعه معلولان جسمی - حرکتی است. تنی چند از مهندسين مسلمان در سال ۱۹۸۴ به منظور کمک به توان یابان در جهت فائق آمدن ناتوانی های خود از طریق ارتقاء (selfesteem) و بالابردن اعتماد به نفس ایشان همت گماشتند.

این موسسه ابتدا در دو اتاق کوچک که توسط یک درمانگاه خیریه واقع در منطقه ای فقیرنشین در جنوب تهران موقتاً در اختیار گذارده شده بود با پذیرش پنج نفر کارآموز فعالیت خود را شروع نمود. مجتمع اکنون در ساختمانی ملکی، مشتمل بر حدود ۴۰۰۰ متر مربع زیر بنا، که در زمینی به مساحت حدود ۲۷۰۰ متر مربع بنا شده، به فعالیت های خود ادامه می دهد. رعد به عنوان یک نهاد آموزشی و نیکوکاری خدمات خود را بطور کلی در سه زمینه توانبخشی (شامل فیزیوتراپی، کاردرمانی، گفتاردرمانی و بهداشت روان)، آموزش فنی و حرفه ای (برنامه ریزی و اپراتوری کامپیوتر، مونتاژ سخت افزار، تایپ، نقشه کشی، ساختمانی و صنعتی، حسابداری، تعمیر لوازم خانگی، خیاطی، مجسمه سازی، گل سازی و سفالگری) و خدمات جانبی یا حمایتی (قرض الحسنه، جواز مالی، خدمات پزشکی در محل مجتمع یا معرفی پزشکان داوطلب، رفت و برگشت از ایستگاهی در یکی از مراکز شهر به محل مجتمع، تسهیلات کتابخانه ای، خدمات مشاوره ای، مددکاری، بازدید از منازل و مشاوره از دواج) ارائه می نماید. کلیه خدمات مجتمع به تمام متقاضیان کارآموز حائز شرایط بصورت کاملاً رایگان است چرا که منابع رعد از محل دریافت اعانات مردمی، حمایت های افراد نیکوکار و کمک های سخاوتمندانه تأمین می گردد. در ارائه خدمات رعد هیچگونه تبعیضی به دلایل نژادی، سیاسی، عقیدتی، فرقه ای، مذهبی، جنسیت، رنگ پوست، ملیت قومی در مورد کارآموزان قائل نمی شود.

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد به عنوان یک نهاد خصوصی و غیر سیاسی در تاریخ ۵ فروردین ۱۳۷۶ (۲۴ مارس ۱۹۹۷) به عنوان



این موسسه به معنای این است که هر گونه آعانه یا کمک پرداختی به عنوان Friends of Ra'ad جزء هزینه‌های مالیاتی محسوب و از پرداخت مالیات معاف می‌باشد. در جداول ذیل گزارش فعالیت‌های مجتمع از آذر ۷۸ تا آذر ۷۹ آمده است.

گزارش فعالیت‌های آموزشی مجتمع، آذرماه ۷۸ تا آذر ۷۹

ردیف	رشته	تعداد دوره
۱	ماشین‌نویسی فارسی	۱۲
۲	کارور رایانه درجه ۲ (اپراتوری کامپیوتر)	۱۰
۳	حسابداری مقدماتی	۲
۴	حسابداری تکمیلی	۱
۵	نقشه‌کشی صنعتی	۲
۶	نقشه‌کشی ساختمان	۲
۷	ویندوز ۳/۱	۲
۸	ویندوز (۹۵ و ۳/۱)	۹
۹	اتوکلد مقدماتی ۱۲	۳
۱۰	اتوکلد مقدماتی ۱۴	۴
۱۱	اتوکلد پیشرفته ۱۴	۴
۱۲	اکسل	۱
۱۳	ورد	۴
۱۴	اکسز	۲
۱۵	زرنگار	۷
۱۶	آشنایی با سخت‌افزار	۱
۱۷	تری‌دی‌اس	۲
۱۸	فوتوشاپ	۱
۱۹	زبان انگلیسی	۸
۲۰	گلسازی	۳
۲۱	خیاطی	۱
۲۲	قالیافی	۴
۲۳	سفالگری	۲
۱	تعداد کل کارآموزان تحت آموزش	۴۱۹ نفر
۲	تعداد کل گواهینامه‌های داخلی اعطاء شده	۱۳۵ نفر
۳	تعداد کل گواهینامه‌های فنی - حرفه‌ای صادره از طرف وزارت کار و امور اجتماعی	۲۶۸ نفر
۴	تعداد کل کارآموزان معرفی شده به کار	۸۱ نفر
۵	تعداد کل کارآموزان اشتغال یافته	۳۳ نفر

گزارش فعالیت‌های توانبخشی و ممدکاری آذر ۷۹-۷۸

ردیف	فعالیت	تعداد مورد
۱	کار درمانی جسمانی	۱۰۲۹ مورد
۲	کار درمانی روان	۱۲۱۷ مورد
۳	فیزیوتراپی	۱۶۸۸ مورد
۴	مشاوره روان‌شناسی	۶۰ مورد
۵	مصاحبه و مشاوره مددکاری	۷۱۱ مورد
۶	پرداخت وام (به همت گروه همیاری بانوان)	۹ مورد
۷	معرفی به پزشک	۳۵ مورد
۸	بازدید منزل توسط مددکار اجتماعی	۶ مورد

بر اساس یکی از بندهای « منشور رعد » انتظار می‌رود آن دسته از فارغ التحصیلان به افراد دیگری که نیازمند شغل هستند کمک نمایند. این دور تسلسل همیاری، اثرات محسوسه بر ایجاد یک نگرش مثبت و پایدار در محیط اطراف فارغ التحصیلان بجا گذارده است. در مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد معجزه نمی‌شود، انگیزه ایجاد و توان بخشیده می‌شود.

کلیه توان‌یابانی که از فلج مغزی (C.P) رنج می‌برند نیز می‌توانند در این دوره‌ها شرکت نمایند. آن کسانی که دچار معلولیت بیشتری هستند ابتدا از طریق فیزیوتراپی و کاردرمانی تحت مداوا قرار گرفته و سپس در کلاسها حضور می‌یابند.

یکی از متقاضیان می‌گوید: «از زمانی که به مجتمع آمده‌ایم زندگی ما تغییر کرده و متحول شده است؛ مانند گذشته به دیگران متکی نیستم و پس از فارغ‌التحصیلی نیز قادریم شغلی داشته باشیم و صاحب درآمد شویم.» یک توان‌یاب که قادر به حفظ توازن خود نیست و به زحمت صحبت می‌کند به عنوان کمک مربی طراحی کامپیوتر در مجتمع فعالیت می‌نماید. وی از طریق علانم و اشارات و صفحه مانیتور با کارآموزان صحبت می‌کند. او به این دلیل در مجتمع به کار گرفته شده است تا بدینوسیله اعتماد به نفس بیشتری کسب کرده و بتواند واضح‌تر و بهتر صحبت کند و قادر باشد در دیگر سازمانها اشتغال یابد. وی قادر است ۷ شیت نقشه را ظرف مدت ۵ ساعت به کامپیوتر بدهد. یک کارآموز خسته دیگر مجتمع رعد که انگشتان دستش سوخته است نیز به تدریس کامپیوتر (نشر کامپیوتری) اشتغال دارد. در میان کارآموزان، دختر فلجی (قطع نخاع) که لیسانسیه تاریخ بوده دروس مقدماتی طراحی کامپیوتر را در مجتمع گذرانده است. وی قهرمان تیراندازی است. دختر دیگری است که با پاهای خود کار می‌کند (او فاقد دست سالم می‌باشد) و کامپیوتر را در این موسسه فرا گرفته است. چنین مواردی در بین کارآموزان مجتمع رعد کاملاً عادی است.

بر اساس یکی از بندهای « منشور رعد » انتظار می‌رود آن دسته از فارغ التحصیلان به افراد دیگری که نیازمند شغل هستند کمک نمایند. این دور تسلسل همیاری، اثرات محسوسه بر ایجاد یک نگرش مثبت و پایدار در محیط اطراف فارغ التحصیلان بجا گذارده است. در مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد معجزه نمی‌شود، انگیزه ایجاد و توان بخشیده می‌شود.

با عنایت به اهداف و الاو عملکرد مطلوب مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد، اداره درآمدهای داخلی (IRS) وزارت خزانه داری آمریکا پس از انجام بررسی‌های کامل و طی یک فرایند اداری نسبتاً طولانی، آنچنان که در مورد دیگر نهادهای خیریه نیز معمول می‌باشد، مجوز معافیت‌های مالیاتی جهت کمک‌های دریافتی در آمریکا برای این مجتمع را نیز صادر نموده است. در تلاش جهت کسب مجوز یاد شده و بعنوان بخشی از الزامات قانونی، مجتمع رعد در ایالت ویرجینیا با به ثبت رساندن موسسه‌ای غیر انتفاعی تحت عنوان « دوستان رعد » (Friends of Ra'ad) رسماً شروع به فعالیت نموده است. ثبت

منشور

مجتمع

آموزشی

نیکوکاری رعد

اگر در تغییر سرنوشت خویش تلاش نورزیم چگونه انتظار تغییر سرنوشت جامعه را توانیم داشت؟

بسان جرقه برق که ابر سنگین را بارور و بارش رحمت الهی را مظهر حاصلخیزی و وفور نعمت میسازد خروش رعد توأم با سپاس و منزه داشتن و تسبیح خداوند و بیم ملانکه همه نشانهایی از این صاعقه آسمانیست.

آیا رعد با انتخاب این نام مقدس می تواند برای خود وظیفه‌ای جز بارور کردن استعدادها و تواناییهای بالقوه توان یابان قائل شود؟ باشد که بارش این رحمت استعدادهای توان یابان را بارورتر و خانواده و محیط زندگی آنان و در نهایت جامعه را طراوت و شادی بیشتری بخشد.

براین باوریم که:

- ۱- گستردگی معلولیت (از هر ده عضو جامعه یک نفر دچار نقص جسمی، حسی، حرکتی و ... می باشد) کوششهایی را در جهت آموزش ویژه این افراد می طلبد تا بتوانند از مواهب یک زندگی دلپذیر و عادی مانند دیگر هموعان گروه سنی خود برخوردار باشند.
- ۲- جهل، غفلت، خرافه، و ترس از جمله عوامل اجتماعی هستند که در پهنه، تاریخ افراد معلول را منزوی ساخته و موجبات کندی یا توقف رشد آنان را فراهم می‌آورد.

۳- جمع آوری اعانه و پرداخت مقرری، درنهایت معلول جسمی و حرکتی را به معلول اجتماعی تبدیل می نماید.

۴- نیکی، نیاز فطری و نیکوکاری، پاسخ به نیاز درونی انسان است. همیاری محبت آمیز پژمردگان را شاداب، ناتوانان را توانا و مایوسان را امیدوار میسازد.

۵- از عوامل رضامندی انسان احساس توانایی زیستن بدون اتکاء به دیگران است پس، همچون دیگر اقشار جامعه، معلولان نیز باید از داشتن فرصتهای شغلی شرافتمندانه و کسب روزی حلال برخوردار باشند.

۶- توانبخشی حرفه‌ای عاملی موثر در کاهش یا رفع محدودیتهای معلولین است. پس چرا نتوان کلمه توان یاب را جایگزین کلمه، معلول نمود؟ انتخاب ما اینچنین باشد.

۷- آموزش و اشتغال که نقش عظیمی در بازسازی شخصیت و تأمین استقلال توان یابان ایفاء می کند عملی صالح بشمار می‌آید.

۸- توان یابان با برخورداری از تواناییهایی چون شجاعت، محبت، تمسخر ناپذیری، دقت نظر، پشتکار و اخلاص می توانند با اتکاء به نفس سطح علمی و حرفه ای خود را بر مسائل متمرکز سازند.

کوشش می نمایم تا:

۱- خدمات آموزشی و توانبخشی حرفه‌ای را تا حد توان در اختیار توان یابان قرار داده و با فراهم آوردن زمینه های اشتغال برای آنها به ارائه خدمات متقابل از جانب ایشان، بعنوان بازدهی به نفع جامعه توان یاب، امیدوار باشیم.

۲- آموزش توان یابان به گونه‌ای باشد که تا سرحد امکان جبران محدودیتهای جسمی، حسی و حرکتی آنها را موجب شویم.

۳- آموزش های مفید، به روز، کاربردی و متناسب با امکانات و تواناییهای توان یابان را با این هدف که در نهایت امکانات اشتغال آنها را تسهیل نماید، ارائه نماییم.

۴- سازمان دهی و همه فعالیتها و تلاشهایمان به گونه‌ای باشد که بتوان بیشترین بازدهی را برای توان بخشی حرفه‌ای توان یابان انتظار داشته باشیم.

۵- کمکهای دریافتی از نیکوکاران را به گونه‌ای بهینه به مصرف رسانیم که پوشش جغرافیایی هر چه بیشتر جامعه توان یاب در اقصی نقاط کشور را موجب گردیم.

۶- جنبه‌های کاربری و حرفه‌ای بودن آموزشهای ارائه شده را همواره ارتقاء بخشیده و این هدف را که منظور از آموزشهای ارائه شده توانا شدن کارآموزان برای کار ثمربخش و اقتصادی است، همواره مد نظر داشته باشیم.

۷- در ارائه خدمات، توان یابان همه اقشار جامعه را مد نظر داشته و در عین حال برای توان یابان نقاط دور افتاده، محروم و مصیبت زده اولویت قائل شویم.

۸- وجهه اجتماعی موسسه را همواره ارتقاء بخشیم به گونه‌ای که جاذب افراد نیکوکار و کمکهای مردمی، عاری از هرگونه شبهه و در راستای رضای خالق و خلق نیکوکار باشد، در یک کلام، پرورش و ارتقاء احساس درونی انسانهای خیر را کوشا و ایشان را در نیل به اعمال خیر بیشتر مشوق باشیم.

انتظار داریم که:

۱- همه، دست اندرکاران رعد متعهد باشند که بر اساس آموزه الهی " وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ (شوری - ۳۸)" تصمیمات ارکان مجتمع با تبادل نظر، مشورت و رای اکثریت اتخاذ گردد.

۲- اعضاء هیأت مدیره و امناء "ید واحده" بوده و ضمن آموزش کار جمعی، زبان و طرز تلقی مشترک داشته باشند.

۳- فرد فرد کارکنان و مدیران موسسه با درک هماهنگ و منسجمی از اهداف و منشور مجتمع در راستای عمل صالح حرکت کنند.

۴- فرد فرد کارکنان موسسه و مجتمع‌های آموزشی به توانایی‌های توان یابان، و نه به محدودیت‌ها و معلولیت‌های آنان، توجه داشته باشند.

۵- فرد فرد کارکنان و مدیران موسسه و مجتمع خود را امانتدار مردم نیکوکار دانسته و در مصرف وجوه، هدایا، امکانات و کمکها شرط امانت را رعایت و نهایت دقت را مبدول دارند.

۶- فرد فرد کارکنان و مدیران موسسه به مهارت‌ها، دانشهای سودمند، مفید و اصیل رشته توان بخشی حرفه ای مجهز شوند تا از این حیث فضایی کاملاً منطبق با ماموریت موسسه که توانبخشی حرفه‌ای است تداوم یابد.

۷- مسئولین موسسه و مجتمع‌ها ارتباطی پیوسته و رابطه‌ای مستمر با کارآموخنگان داشته، به عنوان همراه و هنگام در مشکلات طرف مشورت خوبی برای ایشان بوده

و وضعیت شغلی کارآموخنگان را پس از فراغت از موسسه پی جوئی نمایند.

۸- توان یابان که به رایگان از مواهب آموزش و توانبخشی حرفه‌ای بهره مند شده‌اند خود را در حد توانائی متعهد به مشارکت و ارائه خدمات مادی و معنوی متقابل به دیگر توان یابان و موسسه بدانند.

۹- فرد فرد کارکنان و مدیران موسسه و مجتمع‌ها تلاش در جهت جذب همیاری و کمکهای مردمی را بر خود فرض بدانند.

۱۰- مدیران مجتمع‌ها از تازه ترین دستاوردهای علمی و تجربی متناسب با فرهنگ و اصول اعتقادات خود بهره برداری و مدیریت مجتمع‌های آموزشی با حداقل دیوان سالاری و اصطکاک که درونی و با رعایت اصل صرفه جویی باشد.

۱۱- فرهنگ نیکوکاری را بر اساس آموزش الهی "تعاونوا علی البرواالتقوی (مانده ۲)" گسترش داده و از همه، افراد نیکوکاری که در زمینه‌های آموزش حرفه‌ای دارای تخصص و تجربه هستند دعوت به همکاری به عمل آوریم.

۱۲- اصالت غیر دولتی و غیر سیاسی موسسه را موکدا حفظ و آن را الگوی مناسبی برای ایجاد باور جهت اتکاء به خود معرفی نماییم.

۱۳- شناخت صحیح تری از پدیده، معلولیت و امکانات موجود در مجتمع را برای خانواده‌های توان یابان فراهم آورده و در نتیجه زمینه‌های حضور بیشتر توان یابان در مجتمع‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای فراهم آوریم.

۱۴- در انتطابق با اصل جهانی اندیشیدن و ملی عمل کردن با سازمانهای بین المللی، منطقه‌ای و ملی ارتباط کاری نزدیک برقرار نموده و حداقل در مقایسه با کشورهای هم تراز، برجسته و موفق جلوه گر شویم.

۱۵- علاوه بر خدمات توانبخشی و آموزش حرفه‌ای همواره با جامعه، کارآفرینان، صاحبان صنایع، بنگاههای اقتصادی و به طور کلی همه، منابع شغلی و استخدامی در ارتباط بوده و تواناییهای دانش آموخنگان موسسه را به طرز صحیح ولی بدون اغراق به آنها معرفی نماییم.

۱۶- نیاز بازار اشتغال را همواره مورد مذاقه قرار داده و خدمات آموزشی و توانبخشی حرفه‌ای را همسوی مشاغل مورد نیاز جامعه سازماندهی نماییم.

۱۷- مسؤلان کشوری را به اهمیت و لزوم ایجاد تسهیلات ویژه، بر خورداری توان یابان از امکانات آموزشی و رفاهی عمومی و دسترسی آنان به استفاده از وسایل نقلیه و دیگر خدمات شهری آگاه و در حد توان یاری نماییم.

TAVANYAB

VOL 1 NO 1 AUTUMN 2000

LICENSE HOLDER: RAAD REHABILITATION GOODWILL COMPLEX

EDITOR-IN-CHIEF: ALIREZA ESHRAGHI

Tavanyab is a persian language journal on social problems and Disableds' matters

Abstract:

Publication of this new issue of Tavanyab coincided with the international Day of Disabled persons. Some seven hundred guests attended a celebration held at RRGC headquarter. On this occasion Iftikhar Ali -Information officer of the UN information center in Iran-delivered the message of Koffi Anan -the secretary general of UN.

This issue consists on Disableds' problems on the process of accesing to the equal rights, being a partner of the societies, and finding a good job to becoming independent.

The issue outlines some strategies which made by UN during the decade of Disableds. The "common wealth disability strategy" which outlines a ten year framework on asisting people with

disabilities, is the subject of one of the articles.

The standard rules on the equalisation of opourtunities for person with disabilities is one important fact that is mentioned. It is notable that we-in Tavanyab-do not believe a person a disabled, we call him a person who is looking and seekig to find more abilities. Tavanyab in persian ,means such a point of view.

A review of RRGC's performances and some information about the complex, reveals that some 1700 students -with various disabilities- have enjoied free training in fields presently offered at RRAD till now.

Finally it is notable that fome this issue we are going to insist on the fieid of the social problems, in addition that we specially offer some articles about the matters and problems of Disabled persons.